تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۱۷

فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی مشـرق موعود
سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهـار ۱۳۹۸

سستی و مسئولیت‌گریزی چالشی در عصر غیبت

محمدصابر جعفری[۱]

چکیده

یکی از چالش‌های دوران غیبت، سستی و مسئولیت‌گریزی است. واژه‌های متعددی مبین این مفهومند. در روایت به گونه‌های متعدد مورد مذمت قرار گرفته است. در ادعیه و زیارات مختص به حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه، حذر از این چالش مورد تاکید قرارگرفته است. اموری نظیر شک و تردید و عدم ایمان به غیب، عدم توجه به سنت‌های الهی و نقش‌آفرینی انسان، طول غیبت و دور دیدن ظهور، تغییر انگیزه‌ها، بی‌انگیزگی، عدم آمادگی و محاسبه نکردن مشکلات (نداشتن آگاهی به راه و مشکلات آن)، یأس و نومیدی، راحت‌طلبی و لذت‌گرایی؛ برخی از عوامل سستی بوده که پیامد این سستی ادا نکردن و تباه‌سازی حقوق امام، جامعه منتظر و بشریت، تضییع کار و وظیفه، گناه، طولانی شدن غیبت و تأخیر ظهور، استبدال، نفاق و ندامت و پیشمانی است. برای پیشگیری و برون‌رفت از مسئولیت‌گریزی معرفت‌افزایی و اثبات و تعمیق باور به حضرت و ظهور، ایجاد محبت به امام و شوق نسبت به ظهور، نگاه فرانسلی، نوشتن برنامه، چشم‌انداز و استراتژی، پیمان و عهد و بیعت با امام و التزام به برنامه، مراقبه و مواخذه و توبیخ برخی از راهکارهایی است که براساس آیات و روایات پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی

سستی، مسئولیت‌گریزی، چالش‌های عصر غیبت، عصر غیبت.

---

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم (Jafarimsaber@yahoo.com).

مقدمه

یکی از چالش‌های دوران غیبت، سستی و مسئولیت گریزی است. در دعای امام رضا علیه‌السلام نسبت به امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه آمده است:

ولا تبتلنا فی أمره بالسأمة والکسل والفترة والفشل واجعلنا ممن تنتصربه لدینك وتعزبه نصرولیك ولاتستبدل بنا غیرنا فإن استبدالك بنا غیرنا علیك یسیروهو علینا کبیر... (ابن طاوس، ۱۳۷۱ش: ۳۰۹)؛

خدایا ما را در امر ولی ات گرفتار ملالت، خستگی، تنبلی،سستی و قصور مگردان... .

سستی، اهمال، تنبلی،[1] کسلی و مسئولیت گریزی یکی از آفاتی است که انسان را از رسیدن به قله‌های موفقیت باز می‌دارد و این امر درحوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی قابل بررسی است. علل، پیامدها و راه‌کارهای درمان آن در رشته‌های مختلف علوم نظیر اخلاق، روانشناسی، اجتماعی و...، مورد بررسی و گفتگو و کنکاش قرارگرفته است. متاسفانه این امر جنبه فراگیر داشته و مردم با آن‌که از ضررهای آن تا حد زیادی آگاهند ولی بی‌توجه ازکنار آن گذشته و به این عادت زشت ادامه می‌دهند. مشکل زمانی بیشتر می‌شود که این خصلت ناپسند از حوزه امر فردی به یک امر اجتماعی تبدیل و بلای یک جامعه و تصمیم‌سازان و نقش‌آفرینان آن گردد.

بدون توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های خاص معنایی، واژه‌هایی که بیانگر مفهوم فرار از مسئولیت و سستی‌اند؛ فراوان‌اند: در عربی؛ سأمه،[2] کسل،[3] فتره،[1] فشل،[2] اهمال، تسویف،

۱. در اصطلاح علم اخلاق، به هرنوع بی‌میلی و بی‌رغبتی به کار، تنبلی نمی‌گویند، زیرا در برخی از موارد، عامل گریزانی ازکار، ضعف جسمانی و وجود یک بیماری جسمی است. در علوم تربیتی به کسی تنبل اطلاق می‌شود که شخص بدون داشتن کوچک‌ترین ضعف جسمانی، مهم‌ترین کارهای خود را به تأخیر انداخته و یا با اکراه و اجبار انجام می‌دهد. (مدرّس، ۱۳۷۱ش: ج۳، ۲۶۹)

۲. سَأَمَةً و سَأَماً و سَأْمَةً و سَأْماً و سَآمَةً [سأم] الشيء و منه: از آن چیز ملول یا خسته شد؛ هو الملالة مع الضجر. (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ج۵، ۱۰) و یؤیّد المفهوم استعمال السام معتلّا به معنی الموت و المرض. يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ هُمْ لا يَسْأَمُونَ: ۴۱/ ۳۸. أي لا يجدون في أنفسهم مللا و ضجرا من إدامة التسبيح و من الاشتغال به، فانّ الاشتغال بما يلائم النفس يوجب شعفا و بهجة و انشراحا للقلب (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ج۵، ۱۰).

۳. کَسْلان: کُسَالَی و کَسَالَی و کِسَالَی و کَسْلَی و کَسَالِي: آن‌که تنبلی کند و ازکاری که باید انجام دهد شانه خالی کند؛ الکسل: مطلق الفتور و التثاقل. (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ج۵، ۱۰)؛ الْكَسَلُ هُوَ التَثاقُلُ مِمّا لايَنْبَغِي التَثاقُلُ عَنْهُ وَ يَكُونُ ذلكَ لِعَدَمِ انْبِعاثٍ لِلْخَيْرِ مَعَ ظُهُورِ الإسْتِطاعَةِ فَلايَكُونُ مَعْذُوراً بِخَلافِ العاجِزِ فَإِنَّهُ مَعْذُورٌ لِعَدَمِ القُوَّةِ وَ فَقْدِ الإسْتِطاعَةِ؛ کسل یعنی: سنگین کردن عملی که شایسته سنگینی نیست و باید با نشاط به جا آورده شود ولی با سنگینی انجام می‌گیرد، چون انگیزه و محرك خیر در عمل‌کننده او ایجاد نشده با این‌که قدرت بر ایجاد انگیزه خیر دارد لذا به او معذور نمی‌توان گفت، برخلاف عاجزکه اصلاً قدرت ندارد و بر انجام کار مستطیع نیست. (طریحي، ۱۳۷۵ش: ج۵،

هرم،[3] مسکنت، ضجر،[4] توانی،[5] تهاون، إبطاء،[6] الفتور و الرخو و الضعف و القلق و البطالة و اللین و الضیق و الملالة[7] و مماطله[8] و در فارسی؛ تنبلی، مسئولیت گریزی، سستی، به تعویق انداختن، تعلل ورزیدن، سبک گرفتن و سهل‌انگاری در کار، این دست آن دست کردن، تن‌پروری و کلماتی مانند آن است.

در منابع دینی ما به صورت‌های مختلفی نسبت به این امر هشدار داده شده است؛ مثلاً در کتاب شریف ***کافی***، بابی به عنوان نکوهش از تنبلی و کسالت «کراهیه الکسل» آمده است .به عنوان نمونه به برخی از این تعابیر می‌پردازیم:

۱. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند:

(۴۶۲

۱. فتره: بطي، سست، شل، ضعيف.

۲. فشل: قصور عدم موفقيت.

۳. هَرِمَ: (هَرَماً) مِنْ بَابِ تَعِبَ فَهُوَ هَرِمٌ كَبِرَ و ضَعُف (فيومى، ۱۴۲۵ق: ۶۳۷) اَهْرَمَ ـ إهْرَاماً [هرم] الدهرُ: روزگار او را پیر کرد، او را ناتوان کرد؛ تَهَارَمَ تَهَارُماً ـ [هرم] الرجُلُ: آن مرد خود را پیرو سالمند وانمود کرد.

۴. ضجر: يقال ضَجِرَ من الشيء ضَجَراً من باب تعب فهو ضَجِرٌ: أي اغتم و قلق منه، و تَضَجَّرَ منه كذلك. (طريحي، ۱۳۷۵ش: ج۳، ۳۷۱). کم‌حوصلگی؛ الملالة: تضيّق القلب و يعبّر عنه بالفارسيّة (گرفتگی و دلتنگی). و الضجر: تألّم يعبّر عنه ب (آزردگی و رنجوری). (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ج۵، ۱۰) ؛ضَجر»، به معنای دلتنگ شدن و ملول شدن و بی‌حوصله شدن است. انسان یک وقتی از یک وضعیّتی، از یک حادثه‌ای مثلاً ـ یا از وضع مزاجی خودش، یا ازکاری که به عهده‌ی او هست ـ ملول می‌شود، دلتنگ می‌شود. می‌فرماید مراقب باش دچار این دلتنگی نشوی، دچار این ملالت نشوی، دچار این کم‌حوصلگی نشوی، کم‌حوصلگی؛ این ضَجر است.

۵. تواني في الأمر توانياً، أي قصّر فيه و فتر و لم يبادر إلى ضبطه و لم يهتمّ به. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۵، ۴۱۵؛ فيومى ،۱۴۲۵ق: ۶۷۳)

۶. واژه "بطئ" به معنی کُندی، معنای "اهمال" را می‌رساند. «و ان کنت بطیئا حین یدعونی»؛ گرچه هنگامی که تو مرا به سوی خود خوانده‌ای، من کندی (سستی) به خرج داده‌ام.

۷. و أمّا الفرق بين هذه (سأمه) و موادّ الكسل و الفتور و الرخو و الضعف و القلق و البطالة و اللين و الضيق و الملالة و الضجر:أنّ الرخو ضدّ الشدّة. كما أنّ البطالة في مقابل الحقّ. و الضعف في مقابل القدرة. و اللين في مقابل الخشونة. و الضيق في قبال الوسع. كما سبق في مادّتي ـ الحقّ و الرخو. و الفتور: هو لين و ضعف بعد الحدّة. و الكسل: مطلق الفتور و التثاقل. و القلق: هو الاضطراب في قبال الطمأنينة. و الملالة: تضيّق القلب و يعبّر عنه بالفارسيّة (گرفتگی و دلتنگی). و الضجر: تألّم يعبّر عنه ب (آزردگی و رنجوری). و السأم: مفهوم مركّب من الملل و الضجر. و يؤيّد المفهوم استعمال السام معتلّا بمعنى الموت و المرض. يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ هُمْ لا يَسْأَمُونَ ـ۴۱/ ۳۸. أي لا يجدون في أنفسهم مللا و ضجرا من إدامة التسبيح و من الاشتغال به، فانّ الاشتغال بما يلائم النفس يوجب شعفا و بهجة و انشراحا للقلب، كما قال:. لا يَسْأَمُ الْإِنْسانُ مِنْ دُعاءِ الْخَيْرِ ـ۴۱/ ۴۹ ـ أي لا يملّ و لا ينضجر إذا كان في طلب ما يلائم روحه و في طريق تحصيل ما هو خير له (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ج۵، ۱۰).

۸. مطال به معنای سهل‌انگاری است «و خدعتنی الدنیا بغرورها، و نفسی بجنایتها و مطالی»؛ دنیا به وسیله فریفتن خود و نفسم به جنایت و سهل انگاریش مرا گول زده است.

امْنُنْ عَلَيْنَا بِالنَّشَاطِ وَ أَعِذْنَا مِنَ الْفَشَلِ وَالْكَسَلِ وَالْعَجْزِ وَالْعِلَلِ وَالضَّرَرِ وَالضِّجَرِ وَ الْمَلَلِ (ری‌شهری، ۱۳۸۴ش: ج۱۱، ۵۱۸۴)؛
خدایا! نعمت سرزندگی و کوشایی را به ما ارزانی‌دار و از سستی، تنبلی، ناتوانی، بهانه‌آوری، زیان، دل‌مردگی و ملال، محفوظ‌مان دار.

۲. امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

مِنْ سَبَبِ الْحِرْمَانِ التَّوَانِي (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۸۰)؛
یکی از عوامل محرومیت، سستی (درکار) است.

۳. امام سجاد علیه‌السلام در فرازی از دعای ماه مبارک رمضان ـ که هر روز آن را می‌خواند ـ چنین از خداوند متعال درخواست می‌کند:

اللهم اذهب عنی فیه النعاس والکسل والسامه والفتره والقسوه والغفله والغره... (کلینی، ۱۴۱۱ق: ج۴، ۷۵)؛
خدایا! چرت، تنبلی، خستگی، سستی، سنگدلی، غفلت وفریب خوردگی را از من بزدای.

۴. امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند:

وَ إِيَّاكَ وَالتَّسْوِيفَ فَإِنَّهُ بَحْرٌ يَغْرَقُ فِيهِ الْهَلْكَى وَ إِيَّاكَ وَالْغَفْلَةَ فَفِيهَا تَكُونُ قَسَاوَةُ الْقَلْبِ وَ إِيَّاكَ وَالتَّوَانِي فِيمَا لَا عُذْرَ لَكَ فِيهِ فَإِلَيْهِ يَلْجَأُ النَّادِمُونَ (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۸۵)؛
مراقب باش فریب شیطان را نخوری و درکار خیر امروز و فردا نکنی که تسویف دریایی است که هرکه در آن بیافتد غرق می‌شود و به هلاکت می‌رسد. مراقب باش به غفلت، روزمرگی و بی‌خیالی مبتلا نشوی که موجب قساوت قلب می‌شود. هنگام انجام وظیفه‌ای که هیچ عذری برای ترک آن نداری سستی نکن!

۵. در روایت دیگری امام باقر علیه‌السلام فرمود:

انی لابغض الرجل او ابغض للرجل ان یکون کسلاناً [کسلان] عن امر دنیاه و من کسل عن امر دنیاه فهو عن امر اخرته اکسل (کلینی ،۱۴۱۱ق: ج۵، ۸۵)؛
از مردی نفرت دارم که درکار دنیای خود تنبل باشد آن کس که درکار دنیای خویش تنبل باشد، درکار آخرتش تنبل تر خواهد بود.

۶. امام صادق علیه‌السلام نیز فرمود:

وَ إِيَّاکَ وَ خَصْلَتَيْنِ الضَّجَرَ وَالْكَسَلَ[1] فَإِنَّکَ إِنْ ضَجِرْتَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ وَ إِنْ كَسِلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقّاً (شیخ صدوق، ۱۳۶۲ش: ۶۳۶)؛

از دو خصلت بپرهیز: کم‌حوصلگی و تنبلی؛ زیرا اگر کم‌حوصله شوی بر حق صبر نمی‌کنی، و اگر تنبل شوی حق را ادا نمی‌کنی.

۷. همچنین امام صادق علیه‌السلام در فرازی از نیایش خود چنین آورده است:

اللهم انی اعوذ بک من الکسل والهرم والجبن والبخل والغفله والقسوه والفتره والمسکنه (کلینی، ۱۴۱۱ق: ج۲، ۸۶)؛

بارخدایا! من به تو پناه می‌برم از تنبلی، پیری، کم دلی، بخل، غفلت، سنگدلی، سستی و زبونی.

۸. امام کاظم علیه‌السلام نیز می‌فرماید:

قال ابی علیه‌السلام لبعض ولده ایاک والکسل والضجره فانهما یمنعانک من حظک من الدنیا والاخره (کلینی، ۱۴۱۱ق: ج۵، ۸۵)؛

پدرم امام صادق علیه‌السلام می‌فرمود: از تنبلی وافسردگی بپرهیز، که این دو، تو را از بهره دنیا وآخرت بازمی‌دارد.

پیامدهای مسولیت‌گریزی و تنبلی

بسیاری از عقب ماندگی‌های انسان‌ها چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی، پیامد همین خصیصه‌ی پلید سستی و بی‌حالی و تنبلی است. در این‌جا به برخی از این آثار (که هم تجربه بشری است و هم در بیان دین آمده است) به عنوان نمونه اشاره می‌گردد.

ادا نکردن و تباه‌سازی حقوق،[2] فقر و تنگدستی، سربار دیگران شدن، کم بهره شدن در زندگی، بی‌بهره از دنیا و آخرت (کلینی، ۱۴۱۱ق: ج۵، ۸۵)، نرسیدن به آرزوها،[3] برآورده نشدن حاجات و...؛ مبتلا شدن به غم واندوه، محرومیت از نعمت‌ها، از دست دادن اعتماد مردمی،

۱. کَسَل»، عبارت است از تنبلی، تنبلی؛ یک کاری را انسان تأخیر بیندازد به‌خاطر تنبلی؛ مطالعه‌ای دارد، کاری دارد، اشتغالی دارد، دنبال گیری‌ای دارد، تنبلی کند و این کار را نکند. می‌فرماید از این دو چیز پرهیزکن... وقتی دچار «کَسَل» یعنی تنبلی شدی، آن وقت حق را ادا نمی‌کنی، آن کاری راکه باید انجام بدهی، حقّی راکه باید ادا بکنی، آن را ادا نمیکنی به خاطر تنبلی؛ به خاطر تن‌پروری و تنبلی.

۲. امام علی علیه‌السلام: هرکه از سستی فرمان برد، حقوق را تباه سازد؛ مَن أطاعَ التَّوانيَ ضَيَّعَ الحُقوقَ (شیخ صدوق، ۱۳۶۲ش: ۶۳۶).

۳. امام علی علیه‌السلام کسی که پیوسته تنبلی کند، در رسیدن به آرزویش ناکام ماند.: مَن دامَ كَسَلُهُ خابَ أمَلُهُ (ری‌شهری، ۱۳۸۴ش: ج۳، ۲۷۰۴)

ندامت و پیشمانی،[1] ذلت و[2]....

عوامل تنبلی و سستی

عواملی مانند عدم تمایل به قبول زحمت و یا ناراحتی، ترس از شکست، یأس از موفقیت، عزت نفس کم، ملالت، غرور و موانع شناختی مانند اطلاعات ناکافی، مشخص نبودن اولویت‌ها، تردید، ناتوانی در درک اقدام به جا و به موقع و شرایط محیطی مانند سردرگمی، فشارکاری بیش از اندازه و موانع جسمانی مانند خستگی و استرس و... به بروز تنبلی و سستی و مسئولیت گریزی کمک می‌کند. (http://www.erfan.ir/farsi/15940)

توقع بیش از حد از خود، پایین بودن سطح تحمل، کمال‌طلبی وسواس‌گونه، اشتیاق به لذت‌جویی کوتاه مدت، عدم اعتماد به نفس، عدم تسلط برکار، نگرش منفی به کار، نگرش غیر واقع‌بینانه از دیگران، احساس عدم مسؤولیت در برابر دیگران، لجبازی با دیگران، پرخاشگری انفعالی و... نیز از (دیگر) عواملی هستند که سبب بروز تنبلی و سستی در افراد مختلف می‌شوند. (آقاتهرانی، ۱۳۸۲ش)

راه‌های درمان تنبلی و اهمال

مبادرت در انجام کارها، همت، عزم و اراده،[3] توجه به عنایت و پاداش الهی[4] درک خطرات بی‌حالی و تنبلی،[5] پرهیز از غفلت، عدم انتظار پیشرفت سریع و توجه به مراحل طبیعی

۱. امام علی علیه‌السلام: هرکه از سستی فرمان برد، پشیمانی او را در میان گیرد. مَن أطاعَ التَّوانيَ أحاطَت بهِ النَّدامَةُ. (شیخ صدوق، ۱۳۶۲ش: ۶۳۶).

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: دانش‌نامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «تنبلی»، شماره۸۵.

۳. امام علی علیه‌السلام در این‌باره فرموده‌اند: «تداو من داء الفترة فی قلبک بعزیمه»؛ درد سستی را با داروی عزم و اراده‌ای جازم درمان کن؛ امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «ضَادُّوا التَّوَانیَ بِالْعَزْم» با عزم و اراده، به جنگ سستی بروید. (ری‌شهری، ۱۳۸۴ش: ج۱۱، ۵۱۸۴)

۴. امام صادق علیه‌السلام فرمود: إن کانَ الثَّوابُ مِن الله ِفالکَسَلُ لِماذا؟ اگر پاداش دادن [در برابر کار] از خداست، دیگر تنبلی چرا؟! (مجلسی،۱۴۰۴ق: ج۷۳، ۱۵۹، ح۱)

همچنین امام صادق علیه‌السلام فرمود: إیّاکُم و الکَسَلَ، إنَّ رَبَّکُم رَحیمٌ یَشکُرُ القَلیلَ، إنّ الرجُلَ لَیُصَلّي الرَّکعَتَینِ تَطَوُّعا یُریدُ بِهما وَجهَ الله ِعَزَّوجلَّ فَیُدخِلُهُ الله ِبِهما الجَنَّةَ، و إنَّهُ یَتَصَدَّقُ بالدِّرهَمِ تَطَوُّعا یُریدُ بِهِ وَجهَ الله ِعَزَّوجلَّ فَیُدخِلُهُ الله ِبِهِ الجَنَّةَ . از تنبلی بپرهیزید. همانا پروردگار شما مهربان است و از عمل اندك نیز قدردانی می‌کند. آدمی برای رضای خداوند عزّوجلّ دو رکعت نماز مستحبی می‌خواند و خداوند بر اثر آن او را به بهشت می‌برد، همچنین برای خشنودی خداوند عزّوجلّ درهمی صدقه مستحبّی می‌دهد و خداوند به سبب آن او را به بهشت می‌برد. (شیخ طوسی، ۱۳۶۴ش: ج۲ ،۲۳۸ ح۹۴۱)

۵. امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام به دنبال همان نامه مرقوم فرموده‌اند: «... فانما هلک من کان قبلک باقامتهم علی الامانی والتسویف...»، البته، کسانی پیش از شما بوده‌اند که به خاطر افتادن در آرزوها و اهمال کاری ها، به هلاکت

پیشرفت، تلاش برای پرهیز از تنبلی، پرهیز از توجیه، یافتن دوست منضبط، خود تنظیمی و خویش حسابرسی، پیمان بستن، از دست ندادن لحظه حال و...؛ برخی از راه‌های مبارزه با سستی و تنبلی و مسئولیت گریزی است.

غیبت و مسئولیت‌پذیری

پس از ذکر این مقدمه؛ آن‌چه دنبال تبیین آن هستیم بررسی مسئله سستی و مسئولیت گریزی در دوران غیبت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه از بعد تأثیرپذیری از غیبت است.

وَاصْرِفْ عَنَّا فِي أَمْرِهِ السَّأْمَةَ وَالْكَسَلَ وَالْفَتْرَةَ وَلَاتَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيرَنَا فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيرَنَا عَلَيكَ يسِيرٌ؛

در انجام اوامر آن حضرت، تنبلی و سستی و سهل‌انگاری کردن را از ما دور کن. کسی را نیز به جای ما میاور، زیرا عوض کردن جای ما با دیگران برای تو آسان است؛ ولی برای ما مشکل و دشوار می‌باشد.

جلوه‌های از مسئولیت گریزی در عصر غیبت

در روایات جلوه‌های از مسئولیت گریزی و فرار افراد از مسئولیت‌ها و وظایف خود در دوران غیبت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه مطرح شده که به نمونه‌های از آن اشاره می‌شود:

زمانی که شر و بدی علنی صورت می‌گیرد و برای انجام‌دهنده‌اش توجیه می‌تراشند و کسی مانع بدی نمی‌گردد و نسبت به آن سستی خرج می‌دهند؛[1] زمانی که فسق و بدی علنی است و مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می‌کنند. مؤمن ساکت است کسی سخن او را نمی‌پذیرد و فاسق دروغ می‌گوید و کسی دروغ و... او را رد نمی‌کند؛[2] زمانی که کوچک بزرگ‌تر را تحقیر می‌کند و... و کسی کاری ندارد و اهمیتی نمی‌دهد؛[3] زمانی

افتاده‌اند. (مجلسی،۱۴۰۴ق: ج۷۳، ۷۵)

۱. وَرَأَيتَ الشَّرَّ ظَاهِراً لَا يُنهَى عَنهُ وَيُعذَرُ أَصحَابُهُ؛ الكافي: ج۸، ۳۶، عنه (مجلسی،۱۴۰۴ق: ج۵۲، ۲۵۴).

۲. وَرَأَيتَ الفِسقَ قَد ظَهَرَ وَاكتَفَى الرِّجَالُ بِالرِّجَالِ وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ، وَرَأَيتَ المُؤمِنَ صَامِتاً لَا يُقبَلُ قَولُهُ، وَرَأَيتَ الفَاسِقَ يَكذِبُ وَلَا يُرَدُّ عَلَيهِ كَذِبُهُ وَفِريَتُهُ. (همو)

۳. وَرَأَيتَ الصَّغِيرَ يَستَحقِرُ بِالكَبِيرِ، وَرَأَيتَ الأَرحَامَ قَد تَقَطَّعَت، وَرَأَيتَ مَن يَمتَدِحُ بِالفِسقِ يَضحَكُ مِنهُ وَلَا يُرَدُّ عَلَيهِ قَولُهُ، وَرَأَيتَ الغُلَامَ يُعطِي مَا تُعطِي المَرأَةُ، وَرَأَيتَ النِّسَاءَ يَتَزَوَّجنَ النِّسَاءَ، وَرَأَيتَ الثَّنَاءَ قَد كَثُرَ، وَرَأَيتَ الرَّجُلَ يُنفِقُ المَالَ فِي غَيرِ طَاعَةِ اللهِ فَلَا يُنهَى وَلَا يُؤخَذُ عَلَى يَدَيهِ، وَرَأَيتَ النَّاظِرَ يَتَعَوَّذُ بِاللهِ مِمَّا يَرَى المُؤمِنَ فِيهِ مِنَ الِاجتِهَادِ، وَرَأَيتَ الجَارَ يُؤذِي جَارَهُ وَلَيسَ لَهُ مَانِعٌ، وَرَأَيتَ الكَافِرَ فَرِحاً لِمَا يَرَى فِي المُؤمِنِ مَرِحاً لِمَا يَرَى فِي الأَرضِ مِنَ الفَسَادِ، وَرَأَيتَ الخُمُورَ تُشرَبُ عَلَانِيَةً وَيَجتَمِعُ عَلَيهَا مَن لَا يَخَافُ اللهَ عَزَّوَجَلَّ، وَرَأَيتَ الآمِرَ بِالمَعرُوفِ ذَلِيلاً وَرَأَيتَ الفَاسِقَ فِيمَا لَا يُحِبُّ اللهُ قَوِيّاً مَحمُوداً، وَرَأَيتَ أَصحَابَ الآيَاتِ يُحتَقَرُونَ وَيُحتَقَرُ مَن يُحِبُّهُم، وَرَأَيتَ سَبِيلَ الخَيرِ مُنقَطِعاً وَسَبِيلَ الشَّرِّ مَسلُوكاً (همو)

که مسکرات علنی به فروش می‌رود و کسی مانع نمی‌شود... ،[1] زمانی که معاصی و لهو ولعب صورت گرفته و کسی مانع نشده و احدی جرات بر منه آن ندارد،[2] زمانی که درباره حرم‌های مکه و مدینه براساس غیر رضایت خدا اقدام می‌شود و کسی مانع نمی‌گردد. و احدی مانع انجام عمل بدشان نمی‌گردد... ،[3] زمانی که کسی اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کرده و چیزی از حق می‌گوید افرادی او را نصیحت کرده می‌گویند تو هیچ تکلیف و وظیفه ای نداری.[4]

و موارد مختلف دیگری از روایات که نشانگر سستی و مسئولیت گریزی جامعه نسبت به بدی‌ها در دوره آخرالزمان است.

عوامل سستی و مسئولیت‌گریزی در دوران غیبت

هرچند عوامل سستی و مسئولیت گریزی در همه دوران‌ها جاری و ساری است اما چنان‌که گفته شد به دنبال تبیین عواملی از سستی، تنبلی و مسئولیت گریزی هستیم که متأثر از غیبت و دوری از امام است؛

شک و تردید و عدم ایمان به غیب

یکی از مصادیق غیب که باور و ایمان به آن از ویژگی‌های مومنان است ﴿الَّذینَ یؤْمِنُونَ بِالْغَیب﴾ (بقره :۳)، امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه و ظهور اوست. شک و تردید در خدا و یا ولی خدا باعث می‌شود فرد کاهلی، تسامح و تنبلی نماید. به ویژه این‌که طول غیبت، بی‌خبری از امام باعث می‌شود عده‌ای به وعده‌ای خدا درباره ظهور دچار تردید می‌شوند و نتیجه تردید و شک طبیعی است سستی و فرار از مسئولیت است.

در قرآن نیز ریشه تنبلی در اموری چون جهاد و اعمال و تکالیف سخت و دشوار رادر شك و تردیدی که افراد نسبت به خدا و دین دارند را مطرح می‌کند. فقدان ایمان کامل موجب می‌شود تا شخص نسبت به تکالیف سخت و دشوار واکنش مثبتی نشان ندهد و با برخورد سرد خود آن را به کناری نهد؛ زیرا کسانی که به خدا و آخرت ایمان دارند می‌کوشند تا به آموزه‌های دستوری

۱. وَرَأَیتَ الشَّرَابَ یُبَاعُ ظَاهِراً لَیسَ لَهُ مَانِعٌ، وَرَأَیتَ النِّسَاءَ یَبذُلنَ أَنفُسَهُنَّ لِأَهلِ الکُفرِ (همو)
۲. وَرَأَیتَ المَلَاهِیَ قَد ظَهَرَت یُمَرُّ بِهَا لَا یَمنَعُهَا أَحَدٌ أَحَداً وَلَا یَجتَرِئُ أَحَدٌ عَلَی مَنعِهَا (همو)
۳. و وَرَأَیتَ الحَرَمَینِ یُعمَلُ فِیهِمَا بِمَا لَا یُحِبُّ اللهُ لَا یَمنَعُهُم مَانِعٌ وَلَا یَحُولُ بَینَهُم وَبَینَ العَمَلِ القَبِیحِ أَحَدٌ، وَرَأَیتَ المَعَازِفَ ظَاهِرَةً فِی الحَرَمَینِ (همو)
۴. وَرَأَیتَ الرَّجُلَ یَتَکَلَّمُ بِشَیءٍ مِنَ الحَقِّ وَیَأمُرُ بِالمَعرُوفِ وَیَنهَی عَنِ المُنکَرِ فَیَقُومُ إِلَیهِ مَن یَنصَحُهُ فِی نَفسِهِ فَیَقُولُ هَذَا عَنکَ مَوضُوعٌ (کلینی، ۱۴۱۱ق: ج۳۶، ۸، عنه مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج۲۵۴، ۵۲).

خدا و قرآن و پیامبران عمل کنند.

شك و تردید در خدا و یا آخرت موجب می‌شود شخص، کاهلی و تسامح و تنبلی را پیشه خود کنـد و بـا جـان و مـال بـه دفـاع از دیـن خـدا و آمـوزه هـای آن اقـدام نـورزد. (http://www.erfan.ir/farsi/15940)

﴿إِنَّمَا يسْتَأْذِنك الَّذِينَ لَا يؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبهمْ فَهُمْ فِي رَيبهمْ يتَرَدَّدُونَ﴾؛

جز این نیست که کسانی از تو (برای تخلّف از جهاد) اذن می‌طلبند که به خدا و روز واپسین ایمان ندارند و دل‌های‌شان در تردید افتاده و آنها همواره در شك و تردید خود سرگردانند. (توبه:۴۵)

در روایت آمده؛ غیبت و به ویژه طولانی شدن این دوران افراد سست ایمان را به انکار حضرت و وعده الهی می‌کشاند:

فَقُلْتُ لَهُ يا ابْنَ رَسُولِ اللهِ لِمَ سُمِّی الْقَائِمَ قَالَ لِأَنَّهُ يقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَارْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ فَقُلْتُ لَهُ وَلِمَ سُمِّی الْمُنْتَظَرَ قَالَ لِأَنَّ لَهُ غَيبَةً يكْثُرُ أَيامُهَا وَيطُولُ أَمَدُهَا فَينْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَينْكِرُهُ الْمُرْتَابُونَ وَيسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِ الْجَاحِدُونَ وَيكْذِبُ فِيهَا الْوَقَّاتُونَ وَيهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَينْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج۲، ۳۷۸)؛

گفتم ای فرزند رسول خدا، گفتم چرا او را قائم می‌گویند؟ فرمود: زیرا بعد از آن‌که نامش از خاطره‌ها فراموش شود و اکثر معتقدین به امامتش از دین خدا برگردند، قیام می‌کند عرض کردم: چرا او را منتظر می‌گویند؟ فرمود: زیرا وی برای مدتی طولانی غیبت می‌نماید و علاقه‌مندان منتظر ظهورش خواهند بود، و آنها که تردید دارند انکار می‌کنند و مخالفین، آن را به باد مسخره می‌گیرند! کسانی که وقت ظهور را تعیین می‌کنند بسیار و آنان که در این‌باره شتاب می‌نمایند به هلاکت می‌رسند و آنها که در مقام تسلیم هستند رستگار می‌شوند.

در دعای منقول از جناب عثمان بن سعید عمروی ـ نائب اول امام زمان علیه‌السلام آمده:

اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبَرِهِ عَنَّا ... (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج۲، ۵۱۳)؛

خدایا به خاطر طولانی شدن دوران غیبت و بی‌خبر بودن از او، یقین ما را مستان... .

طول غیبت و دور دیدن ظهور

آمادگی نتیجه نزدیک بودن یک حادثه یا یک شخص است اگر یک حادثه زمانش نامشخص یا دور باشد یا آمدن شخصی نزدیک نباشد طبیعی است آمادگی معنا نمی‌یابد. شاید به همین دلیل است که منتظرانی که ظهور را نزدیک[1] می‌بینند آماده‌اند و نجات یافته. نجی المقربون (کلینی، ۱۴۱۱ق: ج۳، ۱۳۱).

جناب فیض کاشانی می‌فرماید:

> بدان کسی که دو برادر غایب دارد که ورود یکی را در فردا و ورود دیگری را پس از یک ماه یا یک سال انتظار دارد برای دیدار برادری که پس از یک ماه یا یک سال دیگر وارد می‌شود خود را آماده نمی‌کند بلکه آماده دیدار برادری می‌شود که فردا وارد خواهد شد. پس آمادگی نتیجه قرب انتظار است. کسی که منتظر رسیدن مرگ پس از گذشت یک سال دیگر است دلش به آن‌چه در این مدت است مشغول می‌شود و آن‌چه را پس از آن است فراموش می‌کند. سپس در هر روز که بامداد می‌شود منتظر یک سال تمام است و روزی را که گذشته از این مهلت کم نمی‌کند و همین امر مانع او می‌شود که به عمل بشتابد، چه وی همواره مجال وسیعی در این یک سال برای خود تصور می‌کند و در نتیجه عمل را به تأخیر می‌اندازد. (فیض کاشانی، ۱۳۷۲ش: ج۸، ۳۰۰)

عدم توجه به سنت‌های الهی و نقش‌آفرینی انسان

هرچند مسئله ظهور با ویژگی‌ها و خصوصیاتی منحصر به فرد است اما برخی مسئله ظهور را یک استثنا در امر عالم می‌دانند به این معنا که در آن سنت‌های الهی حاکم نیست. شرایط زمینه‌ها و مقدمات نمی‌طلبد و امر صرفاً به یدالله است. سلسله اسباب و عوامل مادی و بشری در آن نقشی ندارد. با این نگاه دیگر بشر نسبت به مسئله ظهور مسئولیتی نداشته و نهایتاً تمنا و آرزو و دعا برای ظهور به عنوان مسئولیت تلقی می‌گردد.

کسانی که دیدگاه عدم نقش‌آفرینی انسان و بشر را دارند، در مقابل سختی‌ها و مشکلات و...، بدون توجه بر این که عالم براساس اسباب و مسببات است:

> أَبَى اللهُ أن يجرِي الأشياءَ إلاّ بِأسبابٍ؛
> خداوند ابا دارد که اشیاء را جاری کند به جز به وسیله اسباب (صفار، ۱۴۰۴ق: ۲۶).

و ظهور نیز از کلیت این قاعده مستثنی نیست؛ حلّال معضلات و رافع گرفتاری‌ها را فقط خدا

۱. هرچند شتابزدگی مناسب نیست

و ولی خدا می‌دانند. خدایی که شاهد و ناظر مشکلات و محرومیت هاست و عدم رفع مشکل، پارادوکسی است که اینان را حتی ممکن است به کفر بکشاند .کفر ازآنجا رخ می‌دهد که می‌پندارد خدای قادر و توانا که می‌تواند گره از کار بگشاید و تمام امر هم بدست اوست (انسان هم وظیفه و مسئولیتی ندارد) چرا کاری نمی‌کند؟ چرا ولی خدا ظهور نمی‌کند؟ گویا ولی خدا دلسوز جامعه نیست و یا اصلاً شاید مسئله ظهور امری موهوم و دروغین است.

عدم شهامت و ترس(جبن)

ترس از ورود به یک امر و نتایج احتمالی آن ،انسان را دچار مسئولیت گریزی می‌کند در حالی که ما مأمور به وظیفه‌ایم. عوامل ترس مختلف است: ترس از خطرپذیری، ترس از مشکلات و فقر، ترس از دشمنی‌ها و دشمنان. توضیح این‌که گاه ترس از این است که مبادا دچار خطا شویم. اگر شکست بخوریم چه می‌شود نتیجه محور بودن به جای وظیفه‌محور بودن. وسواسیت فراوان و پنداشتن وسواسیت را به نام احتیاط و دقت. عدم شهامت از هزینه کرد و هزینه شدن یا آماج توهین و دشمنی شدن در حالی که سالار شهیدان امام حسین علیه‌السلام، خود را در آماج همه نوع هجمه جسمی و شهادت فرزندان و یاران و اسارت خانواده و حتی انواع تهمت‌ها و دشمنام‌های تا حد خروج از دین و کفر را متحمل می‌شود .

گاه ترس از مشکلات و فقر است. این‌که اگر بخواهی وقف راه دین شوی و تن به مسئولیت‌ها بدهی گرفتار مشکلات فقر خواهی شد.

عبدالحمید واسطی گفت: به امام باقر علیه‌السلام عرض کردم: قربانت ما شیعیان، در انتظار ظهور دولت حقّه هستیم تا جایی که دست از بازار خود شستیم و بسا که برخی از ما گدایی کنند. امام در پاسخ فرمود: آیا پنداشتی کسی که جانش را وقف خدا کرد خدا برایش گشایش قرار نمی‌دهد. آری، به خدا که پروردگار برای او گشایش دهد، خدا رحمت کند هر بنده‌ای را که کار امامت ما را زنده کند.[1]

گاه ترس از دشمنان و دشمنی‌ها فرد را از انجام وظیفه و مسئولیت بازمی‌دارد در حالی که عمل به وظیفه طبعاً دشمنانی مخالف خواهد داشت. همان‌طور که مقابل پیامبران و اولیای

۱. عَبْدِ اَلْحَمِيدِ اَلْوَاسِطِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَصْلَحَكَ اَللَّهُ لَقَدْ تَرَكْنَا أَسْوَاقَنَا اِنْتِظَاراً لِهَذَا اَلْأَمْرِ حَتَّى لَيُوشِكُ اَلرَّجُلُ مِنَّا أَنْ يَسْأَلَ فِي يَدِهِ فَقَالَ يَا [أَبَا] عَبْدِ اَلْحَمِيدِ أَ تَرَى مَنْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى اَللَّهِ لاَ يَجْعَلُ اَللَّهُ لَهُ مَخْرَجاً بَلَى وَ اَللَّهِ لَيَجْعَلَنَّ اَللَّهُ لَهُ مَخْرَجاً رَحِمَ اَللَّهُ عَبْداً أَحْيَا أَمْرَنَا. (کافی، ۱۳۸۲ق: ج۱، ۱۴۸)

خدا دشمنان جن و انس صف‌آرایی کرده‌اند[1] ولی مؤمنان به نصرت خدا باور دارند:

﴿یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللهَ ینْصُرْکُمْ وَ یثَبِّتْ أَقْدامَکُمْ﴾؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌های‌تان را استوار می‌گرداند (محمد:۷).

ندیدن توانایی انجام مسئولیت (کمال‌گرایی وسواس‌گونه)

کمال‌گرایی وسواس‌گونه: گرچه کمال‌جویی در نهاد همه انسان‌ها نهفته شده است و دقت برای خوب انجام گرفتن لازم است، اما کمال‌گرایی وسواس‌گونه راه مناسبی برای بالا بردن کیفیت نیست؛ چراکه همیشه برآیند وسواس جز اضطراب و عقب‌نشینی در انجام کار چیز دیگری نخواهد بود (آقاتهرانی، ۱۳۸۲ش: ۴۰). تصور این‌که ما نمی‌توانیم در امر ظهور یا یاری حضرت فعالیت و نقشی ایفا کنیم. خود باعث مسئولیت‌گریزی است. برخی می‌پندارند چون نمی‌توانیم کل عالم را اصلاح کنیم و فقط ولی خدا توانایی آن را دارد پس هیچ مسئولیتی نداریم. تفکر این‌که حتما باید کار بی‌نقص باشد کار یا باید توسط معصوم صورت گیرد و یا اصلا صورت نپذیرد. عدم توجه بر این‌که ﴿لا یکَلِّفُ الله نَفْساً إِلاّ وُسْعَها﴾ (بقره:۲۸۶)؛ خداوند هیچ کس را تکلیف نمی‌کند، مگر به قدر توانایی او؛ هرکس به اندازه توانایی‌ها و استعداد خود وظیفه دارد و اگر اصلاح عالم مقدور نیست به قدر توان میسر و لازم است.

ضعف، تغییر انگیزه‌ها و بی‌انگیزگی

انگیزه‌های ناخالص در گذر زمان رنگ می‌بازند. انگیزه‌های یاری امام عصر علیه‌السلام، زمینه‌سازی ظهور، احیا امر دین و... وقتی خالص نباشد یا مراقبت نگردد؛ رنگ می‌بازد و ممکن است سر از انگیزه‌های دیگر درآورد. آن‌گاه نسبت به امام و تکلیف در دوران غیبت بی‌مسئولیتی و تنبلی و سستی رخ می‌دهد و نسبت به امور دیگر تحرک و کوشش. امام مجتبی علیه‌السلام در تحلیل ناتوانی لشکر از رویایی دشمن می‌فرماید: انگیزه‌ها تغییر یافته دنیازده شده‌اید (و کنتم تتوجهون معنا، و دینکم امام دنیاکم، و قد اصبحتم الان و دنیاکم امام دینکم)؛ به دنبال انتقام‌اید (قتیلا بالنهروان تطلبون بثارهم).[2]

۱. ﴿وَ کَذَلِک جَعَلْنَا لِکلِّ نَبِی عَدُوًّا شیَطِینَ الانسِ وَ الْجِنِّ یُوحِی بَعْضهُمْ إِلی بَعْضٍ زُخْرُف الْقَوْلِ غُرُوراً وَ لَوْ شاءَ رَبُّک مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ مَا یَفْترُونَ﴾. (انعام: ۱۱۲)

۲. «اما والله ما ثنانا عن قتال اهل الشام ذلة و لاقلة، و لکن کنا نقاتلهم بالسلامة و الصبر، فشیبت السلامة بالعداوة، و الصبر بالجزع، و کنتم تتوجهون معنا، و دینکم امام دنیاکم، و قد اصبحتم لان و دنیاکم امام دینکم، و کنا لکم و

نتیجه عدم شناخت و عدم عشق و علاقه به امام و اهداف او، عدم آگاهی به نتایج مطلوب همراهی با امام و نتایج فرح بخش و شیرین ظهور برای عالمیان، عدم فهم جایگاه امام در هستی و اشتغال به روزمرگی زندگی بدون فهم نقش و حضور امام و حتی تاثیر تبلیغات نادرست دشمنان در بد جلوه نشان دادن مهدویت؛ بی انگیزگی است و بی انگیزگی عامل سستی و بی تحرکی و عدم تامل در مسئولیت‌ها نسبت به امام و دوران غیبت است.

عدم آمادگی و محاسبه نکردن مشکلات (نداشتن آگاهی به راه و مشکلات آن)

یکی از مشکلات که باعث سستی و مسئولیت گریزی می‌شود رصد غیر واقعی مسیر و راه است .کسانی که برای آینده و حوادث دوران غیبت آمادگی ندارند و راه را بدون مشکلات می‌پندارند؛ با دیدن کمترین مشکلات دچار تزلزل، شک و تردید و سستی می گردند .در حالی که مومنان متوقّع و مترصّد حوادث مختلف اند. می‌دانند رسیدن به قله‌های سعادتمندی طی مسیر همراه با سختی و گذران مشکلات فراوان است .

قرآن به صراحت این موضوع را مطرح می‌نماید:

«أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُم مَّثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُم مَّسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللهِ قَرِيبٌ (بقره:۲۱۴)؛ آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید وحال آنکه هنوز مانند آن‌چه بر پیشینیان شما گذشت به شما نرسیده است؟! آنان گرفتار تنگدستی و ناخوشی شده و چنان زیر و زبر شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده و همراه او بودند، گفتند: یاری خدا چه وقت خواهد بود؟ آگاه باشید که یاری خداوند نزدیك است.»

در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا (احزاب: ۲۲)؛ مومنان زمانی که انبوه دشمنان و احزاب روبرو می‌شوند خود را نمی‌بازند و دچار سستی نمی‌شوند بلکه ایمان و تسلیمشان به خدا بیشتر می‌شود .»

نتیجه این که؛ عدم آمادگی روحی، جسمی، اخلاقی و...، همه از عوامل سستی و

کنتم لنا، و قد صرتم الیوم علینا ثم اصبحتم تعدون قتیلین: قتیلا بصفین تبکون علیهم، و قتیلا بالنهروان تطلبون بثارهم، فاما الباکی فخاذل، و اما الطالب فثائر. و ان معاویة قد دعا الی امر لیس فیه عز و لا نصفة، فان اردتم الحیاة قبلناه منه و اغضضنا علی القذی، و ان اردتم الموت بذلناه فی ذات الله، و حاکمناه الی الله فنادی القوم باجمعهم: بل البقیة و الحیاة.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج۴۴، ۲۱)

مسئولیت گریزی است.

راحت طلبی و لذت گرایی

اینکه انسان‌ها به جای اثرات بلند مدت تصمیم‌ها و رفتارهای خود فکر کنند به صورت کاملاً غریزی ترجیح می‌دهند رفتارهای لذت‌آفرین را انجام داده و از رفتارهای رنج‌آور دوری کنند .این همان اصلی است که زیگموند فروید با نام (Pleasure Principle) یا اصالت لذت مطرح می‌نماید.

انسان به طور غریزی دنبال چیزی است که مطابق طبع و هوای نفس او باشد. بنابراین راحت‌طلبی و تنبلی و مسئولیت گریزی را بر مسئولیت‌پذیری مقدم می‌کند. قرآن از کسانی سخن می‌گوید که اگر راه و مسیر کم و اندک باشد همراهی کرده ولی اگر مسیر دور و همراه با سختی باشد سرباز می‌زنند:

﴿لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعُدَتْ عَلَيهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ (توبه: ۴۲)؛

اگر غنیمتی نزدیك و سفری کوتاه (برای جهاد) بود، قطعاً (متخلفان از جهاد) در پی تو می‌آمدند، ولی آن راه بر آنان دور و دشوار آمد (و به این بهانه نمی‌آیند) و به خدا سوگند خواهند خورد که اگر می‌توانستیم، با شما (به جنگ) بیرون می‌شدیم! آنان (با این روش،) خود را هلاك می‌کنند و خداوند می‌داند که آنان دروغگویانند.

رفاه‌زدگی

یکی از عوامل تنبلی و مسئولیت گریزی رفاه زدگی است. برخورداری از ثروت و امکانات مادی موجب می‌شود که شخص از کارهای سخت و دشوار بگریزد به ویژه آن‌که آن کار ارتباط تنگاتنگی با جان و مال او داشته باشد و او را در سختی جانکاهی قرار دهد.

نازپرورده تنعم نبرد راه بجایی عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد

نازپرودگی و غرقه در انواع تنعم‌ها بودن انسان را از ورود به پذیرش آن‌چه با خود سختی دارد باز می‌دارد لذا مسئولیت گریزی یکی از ویژگی‌های رفاه‌زدگی است. قرآن صاحبان قدرت و ثروت را بازماندگان از وظیفه و بهانه‌آورندگان برای فرار از مسئولیت مطرح می‌نماید:

﴿وَ إِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُن مَّعَ الْقَاعِدِينَ﴾ (توبه:۸۶)؛

و چون سوره‌ای فرو فرستاده شود که به خدا ایمان آورید و همراه فرستاده‌اش جهاد کنید، صاحبان قدرت و ثروت آنها (منافقان) از تو اذن می‌خواهند و می‌گویند: بگذار ما

با خانه‌نشینان باشیم.

﴿إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (توبه:۹۳)؛

راه (مؤاخذه) تنها بر کسانی (باز) است که با آن‌که بی‌نیازند باز هم (برای ترک جهاد) از تو اذن می‌طلبند آنها راضی شده‌اند که با به جای ماندگان (از زنان و کودکان و معلولان) باشند، و خداوند بر دل‌های آنها مهر (شقاوت) نهاده، از این رو هیچ نمی‌دانند.

تعلق‌ها و دلبستگی‌ها

تعلق ها، دلبستگی ها، انسان را در متعلق و وابسته منحصر می‌کند «حب الشی یعمی و یصم؛ محبت اشیا انسان را کور و کر می‌کند» بالاتر از آن را نمی‌بیند تا حرکت و اقدامی نماید. بنابراین برای این‌که از محبوب خود جدا نگردد نسبت به غیر آن سستی نشان می‌دهد و بار مسئولیتی از غیر متعلق خود برنمی‌دارد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُم بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ (توبه:۳۸)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شما را چیست که چون به شما گفته می‌شود: در راه خدا (به سوی جنگ) حرکت کنید، سنگینی نموده به زمین می‌چسبید؟! آیا به جای آخرت به زندگی دنیا خشنود شده‌اید؟ پس (بدانید که) فواید و منافع دنیا در برابر آخرت جز اندکی نیست.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در این‌باره می‌فرماید:

وَمَنْ عَشِقَ شَيْئاً أَعْشَى بَصَرَهُ وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَحِيحَةٍ وَيَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ قَدْ خَرَقَتِ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ وَأَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ وَوَلِهَتْ عَلَيْهَا نَفْسُهُ فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا وَلِمَنْ فِي يَدَيْهِ شَيْءٌ مِنْهَا حَيْثُمَا زَالَتْ زَالَ إِلَيْهَا وَحَيْثُمَا أَقْبَلَتْ أَقْبَلَ عَلَيْهَا لَا يَنْزَجِرُ مِنَ اللهِ بِزَاجِرٍ وَلَا يَتَّعِظُ مِنْهُ بِوَاعِظٍ (نهج‌البلاغه:خطبه۱۰۹)؛

و هر که عاشق چیزی شود چشمش را کور، و دلش را بیمار می‌کند، آن‌گاه با چشمی غیر سالم نظر می‌کند، و با گوشی غیر شنوا می‌شنود، خواهش‌های نفسانی عقلش را دریده، و دنیا دلش را میرانده، و او را بر امور مادی واله و شیدا نموده، از این رو او برده دنیاست و بنده کسی که اندکی از دنیا در اختیار دارد. دنیا به هر طرف بگردد او هم می‌گردد، و به هر سوی روی کند او هم روی می‌آورد. با پندهای باز دارنده‌ای که از جانب خداست از گناه باز نمی‌ایستد، و از هیچ واعظ الهی پند نمی‌پذیرد.

عدم تسلط به کار

یکی از عوامل مسئولیت گریزی ندانستن تکلیف و وظیفه و آگاه نبودن به چگونگی انجام آن است. انحصار وظیفه در حد دعا و یاد حضرت بودن عملاً افراد و جامعه را دچار اهمال می‌نماید.

انتظار ،روش و آدابی دارد و منتظر باید مهارت‌های انتظار را بداند مهارت‌های ایمان را بداند. تعمیق در روایات به انسان راه کار و رفتار مسئولیت‌ها را بیان می کند و نگاه سطحی و بدون مداقه به روایات، چون وظیفه را تبیین نمی‌کند فرد را به سستی و اهمال می‌کشاند.

یأس و نومیدی

یأس و نومیدی گاه به خاطر ناتوانی‌ها و شکست‌ها رخ می‌دهد و گاه به خاطر طولانی شدن غیبت، وقتی یأس و نومیدی از ظهور و قیام امام رخ داد اولین مسئله و پیامدآن سستی و تنبلی است. انسانی که می‌اندیشد فعالیت او هیچ نقشی در ظهور و کم شدن غیبت ندارد و تلاش او بی‌فایده است. دیگر انگیزه‌ای برای تلاش نمی‌یابد لذا در دعای دوران غیبت آمده است:

اللَّهُمَّ وَ لَاتَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبَرِهِ عَنَّا ... حَتَّى لَايقَنِّطَنَا طُولُ غَيبَتِهِ مِنْ ظُهُورِهِ وَ قِيامِهِ...؛

خدایا به خاطر طولانی شدن دوران غیبت و بی‌خبر بودن از او، یقین ما را مستان... تا این‌که طول غیبتش ما را از ظهور و قیامش ناامید نکند.

گاه فرد فکر می کند وقتی هنگام ظهور همه از سفره ولی خدا متنعم می‌شوند تفاوتی نیست که تلاشی انجام دهد یا ندهد .در حالی که هنگام ظهور اگر انسان منتظر و تلاشگر زنده باشد تلاش امروزش او را مقرب امام قرار داده و طبق روایت از سروران و فرماندهان زمین قرار می‌دهد و اگر قبل از قیام هم از دنیا برود و آرزوی یاری حضرت را داشته باشد همچون کسی است که در رکاب ایشان شمشیر زده، و هرکه با او به شهادت برسد دو شهادت برای او محسوب گردد.

عبدالحمید واسطی گفت:

به امام باقر علیه‌السلام عرض کردم: ... قربانت مرجئه می گویند که این عقیده برای ما زیانی ندارد تا زمانی که آن‌چه شما می گویید بیاید[یعنی دولت حقّه ظهورکند]و با شما هم عقیده شویم و برابر گردیم .فرمود:ای عبد الحمید!راست می گویند، هرکه توبه کند خدا توبهٔ او را بپذیرد و هرکس منافق گردد و در دل ایمانی نداشته باشد خداوند جز بینی خودش را به خاك نمالد و هرکدام امامت را فاش گرداند خدا خونش را بریزد. و خداوند بر اسلام‌شان سر آنها را می‌برد چنان که

قصّاب گوسفندش را. او می گوید: عرض کردم: پس در آن هنگام که امام علیه‌السلام ظهور کند و دیگران هم به او بگروند، ما با دیگران برابر خواهیم بود؟ حضرت علیه‌السلام فرمود: نه، شما در آن روز سروران و فرماندهان زمین باشید، در دین ما جز این روا نباشد. عرض کردم: اگر من پیش از درك امام قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه بمیرم؟ حضرت علیه‌السلام فرمود: هرکس از شما بگوید اگر قائم آل محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را درك کنیم یاریش می‌رسانم، همچون کسی است که در رکاب ایشان شمشیر زده، و هرکه با او به شهادت برسد دو شهادت برای او محسوب گردد؛[1]

برای برخی افراد شکست‌ها عامل دیگری برای یأس ونومیدی است .در حالی که شکست عامل پیروزی و تحلیل راه و اصلاح مسیر و قدم جدید برداشتن است.هرشکستی نتیجه پیروزی می‌تواند باشد مشروط بر این‌که نگاه انسان تغییر یابد .

بی توجهی به از دست رفتن فرصت‌ها

کسی که ارزش عمر، زمان و ارزش خود و نقش خود در عالم در این زمان اندک و فرصت موجود را نفهمد به تعلل و اهمال عمر خود سپری می‌نماید .ولی اگر بداند هر نفس او گوهر و سرمایه ای است که از دست می‌رود به مدیریت فرصت و زمان خود می‌اندیشد و آن را در بهترین جایگاه مصرف و خرج می کند .عمر خود را در رضایت خدا و تحقق اهداف ولی خدا و بسترسازی ولایت او مصروف می‌دارد و لحظه لحظه آن را قدر می‌داند.

شرایط محیطی مانند سردرگمی، فشارکاری بیش ازاندازه

یکی از عواملی که باعث مسئولیت گریزی می گردد، سردرگمی است. این مسئله ممکن است از لحاظ فردی بدلیل عدم برنامه ریزی و اولویت بندی امور پدیدار گردد و بالاتر می‌تواند در جامعه مطرح گردد با این بیان اگر اولویت‌ها و وظایف جامعه توسط عالمان و رهبران جامعه تبیین و مشخص نگردد و جامعه مومنان دچار سر درگمی باشد طبیعی است نتیجه این سر درگمی فرار از مسئولیت و تعلل است .

۱. عَنْ عَبْدِالْحَمِيدِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام قَالَ: ....قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنَّ هَؤُلَاءِ الْمُرْجِئَةَ يَقُولُونَ مَا عَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ عَلَى الَّذِي نَحْنُ عَلَيْهِ حَتَّى إِذَا جَاءَ مَا تَقُولُونَ كُنَّا نَحْنُ وَ أَنْتُمْ سَوَاءً فَقَالَ يَا عَبْدَالْحَمِيدِ صَدَقُوا مَنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَنْ أَسَرَّ نِفَاقاً فَلَا يُرْغِمُ اللَّهُ إِلَّا بِأَنْفِهِ وَ مَنْ أَظْهَرَ أَمْرَنَا أَهْرَقَ اللَّهُ دَمَهُ يَذْبَحُهُمُ اللَّهُ عَلَى الْإِسْلَامِ كَمَا يَذْبَحُ الْقَصَّابُ شَاتَهُ قَالَ قُلْتُ فَنَحْنُ يَوْمَئِذٍ وَ النَّاسُ فِيهِ سَوَاءٌ قَالَ لَا أَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ سَنَامُ الْأَرْضِ وَ حُكَّامُهَا لَا يَسَعُنَا فِي دِينِنَا إِلَّا ذَلِكَ قُلْتُ فَإِنْ مِتُّ قَبْلَ أَنْ أُدْرِكَ الْقَائِمَ علیه‌السلام قَالَ إِنَّ الْقَائِلَ مِنْكُمْ إِذَا قَالَ إِنْ أَدْرَكْتُ قَائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله نَصَرْتُهُ كَالْمُقَارِعِ مَعَهُ بِسَيْفِهِ وَ الشَّهَادَةُ مَعَهُ شَهَادَتَانِ. (کلینی، ۱۳۸۲ش: ج۱، ۱۴۸)

از سویی دیگر عدم تقسیم مناسب وظایف عده ای در سختی و فشارکاری قرار داده و ممکن است آنان نیز به اهمال روی آورند.

نگرش غیرواقع بینانه و توهمی از دیگران

پنداشتن این‌که دیگران به وظیفه عمل می‌کنند و بودن و نبودن من فرقی در نتیجه نمی‌کند .کسانی که دنبال این موضوعند که دیگران کارا انجام می‌دهند پس تکلیفی نداریم .کسانی که در پندار و توهم خود فکر می‌کنند که دیگران هستند که بار را بردارند یا خدا ولی و دینش را کمک می‌کند بنابراین ما وظیفه ای نداریم.

پیامدهای سستی و مسئولیت‌گریزی در دوران غیبت

سستی و اهمال گری نتایج و پیامدهای مختلفی دارد و بر دنیا و آخرت فرد و جامعه تاثیر می‌گذارد. به عنوان نمونه مواردی ذکر می‌شود:

ادا نکردن و تباه‌سازی حقوق امام، جامعه منتظر و بشریت

پذیرش حقّ نیازمند ایستادگی و پایداری در راه آن است. بعضی از انسان‌ها گرچه دوست‌دار حق‌اند و میل به ادای وظیفه‌ی خویش در راه اجرای حق دارند، اما تن‌پروری و سستی مانع از انجام وظیفه می‌شود و همین امر سبب می‌گردد تا نتوانند وظایف خویش را در برابر خود و دیگران انجام دهند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

> **إیاكَ وخَصلَتَینِ: الضَّجَرُ والكَسَلُ؛ فإنّكَ إن ضَجِرتَ لم تَصبِرْ علی حَقٍّ، وإن كَسِلتَ لم تُؤَدِّ حقّا (مجلسی،۱۴۰۴ق: ج۷۰، ۱۵۹)؛**
> از دو صفت بپرهیز؛ ملالت و تنبلی؛ اگر ملول باشی حق را تحمل نکنی و اگر تنبل باشی از ادای حق باز مانی.

آن‌که به تنبلی و مسئولیت گریزی رو می‌آورد، عملا حقوق و و ظایف خود را تباه می‌کند هم خود را از بهره‌مندی نعم دنیا و هم از سعادت‌مندی، محروم می‌سازد.

امام علی علیه‌السلام فرمود:

> **مَن أطاعَ التَّوانِی ضَیعَ الحُقوقَ (شیخ صدوق، ۱۳۶۲ش: ۶۳۶)؛**
> هرکه از سستی فرمان برد، حقوق را تباه سازد.

فرد اهمال گر و مسئولیت گریز علاوه بر تباه‌سازی حقوق خویش، حقوق امام و مردم را هم

تباه می‌کند. واجب‌ترین حق، حق امام است.

امام سجاد علیه‌السلام در اول رساله حقوق، حق امام را از واجب‌ترین حقوق معرفی می‌نماید:

و اوجبها علیك حقّ ائمتك (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۵۵) از حقوق امام نسبت به ماموم محبت و اطاعت و نصح و خیرخواهی است. مسئولیت‌گریز به جای خیرخواهی و دغدغه داشتن نسبت به امام و اهداف امام، گرفتار تن‌پروری خویش است؛ در روایت آمده:

حَقُّهُ عَلَيْهِمْ انْ يَسْمَعُوا لَهُ وَ يُطِيْعُوهُ؛

حقّ امام بر مردم این است که به سخنانش گوش فرادهند و فرمانش را اطاعت کنند.[1]

حضرت علی علیه‌السلام به مردم فرمود: هر یك از من و شما بر یکدیگر حقوقی داریم، اما حق من بر شما این است که شما:

۱. به پیمان و بیعت خود وفادار باشید. «الوفاء بالبیعة»

۲. در حضور و غیاب من (در نزد من حاضر باشید یا نباشید) نصیحت‌کننده و خیرخواه باشید. «والنصیحة فی المشهد والمغیب»

۳. هر وقت شما را فراخواندم اجابت کنید. «والاجابة حین ادعوکم» (نهج‌البلاغه: خطبه ۳۴)

مسئولیت‌گریز با تنبلی وظایف و حقوق امام را تباه می‌کند و آن‌گاه امام هم عملاً نمی‌تواند بسیاری از حقوق امت را به منصه ظهور رساند:

و اما حق شما بر من آن است که من:

۱. خیرخواه و دلسوز شما باشم. «فالنصیحة لکم»

۲. بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم. «توفیر فیئکم علیکم»

۳. شما را آموزش دهم تا بی‌سواد نباشید. «تعلیمکم کیلا تجهلوا»

نتیجه سستی محرومیت بشریت از تعلیم و عدالت و الطاف الهی است که توسط ولی خدا به منصه ظهور می‌رسد.

۱. مرحوم کلینی در جلد اوّل اصول کافی، بابی در همین زمینه دارد و در نخستین حدیث آن باب از ابوحمزه نقل که از امام باقر علیه‌السلام پرسیدم «مَا حَقُّ الاْمَامِ عَلَی النّاسِ». (حقّ امام بر مردم چیست؟) فرمود: «حَقُّهُ عَلَيْهِمْ انْ يَسْمَعُوا لَهُ وَ يُطِيْعُوهُ». (حقّ امام بر مردم این است که به سخنانش گوش فرادهند و فرمانش را اطاعت کنند) سپس می‌گوید: پرسیدم: «مَا حَقُّهُمْ عَلَيْهِ». (حق مردم بر امام چیست؟) فرمود: «يُقَسِّمُ بَيْنَهُمْ بِالسَّوِيَّهِ وَ يَعْدِلُ فِی الرَّعِيَّهِ». (همه چیز را در میان آنها مساوی تقسیم کند (و تبعیض در میان مردم قائل نشود) و عدالت را در میان آنها رعایت کند. (کلینی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ۴۰۵)

تضییع کار و وظیفه، گناه

ویژگی فرد تنبل، سستی و اهمال‌گری است و این سستی و امروز را به فردا افکندن امور، عملاً کار را تباه و نابود و ضایع می‌کند. کار زمان خود را از دست می‌دهد و آن قدر از وقت و فرصت خود می‌گذرد که نابود می‌شود.

لقمان علیه‌السلام ـ خطاب به فرزندش ـ فرمود:

> **لِلکَسلانِ ثَلاثُ علاماتٍ: یتوانی حتّی یفرِّطَ، و یفرِّطُ حتّی یضِیعَ، و یضَیعُ حتّی یأثَمَ (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج۷۳، ۱۵۹، ح۳)؛**
>
> انسان کسل سه علامت دارد: سستی می‌کند تا کار از دستش بیرون رود، کوتاهی می‌کند تا آن‌گاه که کار به واسطه این کوتاهی خراب شود، آن‌گاه که کار را خراب کرد مرتکب گناه می‌شود.

کسالت در کارها خصوصاً عبادت، مساوی است با ترک آن، چون وقتی کسالت عارض عبادتی شد کم‌کم نسبت به آن عبادت بی‌نشاط می‌شوی و بعد به مرور زمان برایت عادی سپس منجر به ترک خواهد شد.

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

> **أمّا علامةُ الکَسلانِ فأربَعةٌ: یتَوانی حتّی یفرِّطَ، و یفَرِّطُ حتّی یضیعَ، و یضَیعُ حتّی یأثَمَ، و یضجَرُ (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج۱، ۱۲۲، ح۱۱)؛**
>
> نشانه تنبل چهار چیز است: چندان سستی می‌کند که به تفریط و کُندی می‌گراید و چندان کُندی می‌کند که [اصل کار را] فرو می‌گذارد و چندان فروگذاری می‌کند که گنهکار می‌شود، و دل مرده بی‌حوصله است.

معمولاً ذهن، مراحل انجام یافتن کار را در مدتْ زمانی که در اختیار دارد، تنظیم می‌کند. معمولاً اگر برای پایان کاری مهلتی تعیین نشده باشد، آن کار، آن‌قدر طول می‌یابد که در نهایت، یا انجام نمی‌شود یا به حکم اجبار انجام می‌شود. با این توصیف، کاری که اصلاً زمانی برای انجام دادن آن در نظر گرفته نشده باشد و اجباری هم در انجام یافتن آن نباشد، معمولاً آن قدر به تعویق می‌افتد که دیگر انجام نمی‌شود.

فقر و تنگدستی و محرومیت مادی و معنوی

از مخرّب‌ترین آثاری که تنبلی به دنبال دارد، دچار فقر شدن است. امیرمؤمنان علیه‌السلام در این‌باره چنین می‌فرماید:

إِنَّ الأَشْیاءَ لَمّا ازْدَوَجَتْ إِزْدَوَجَ الْکسَلُ وَالْعَجْزُ فَنَتَجا بَینَهَما الْفَقْرَ (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج۷۸، ۵۹ و حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۱۵۸)؛

آن‌گاه که همه چیز جفت گشت، تنبلی و درماندگی با هم جفت شدند، و "فقر" محصول و ثمره‌ی آن دو گردید.

تمام دستاوردها، در پرتو سعی و کوشش به دست می‌آید ﴿لَّیْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَی﴾ (نجم:۳۹)؛ برای انسان چیزی جز تلاش و کوشش او نیست. در مقابل دستاورد تنبلی، سستی، ناتوانی؛ جز فقر (فقر در همه جهات، فقر اقتصادی و اخلاقی و معنوی) نخواهد داشت.

جامعه دوران غیبت با سستی هم خود را از منافع مادی و پیشرفت‌ها محروم می‌سازد و هم از فضای معنوی جامعه منتظر و در نتیجه از ظهور امام (به عنوان بالاترین نعمت الهی) نیز محروم می‌گرداند.

این بد عمل کردن و کوتاهی‌هاست که امت را از دیدار و ظهور و الطاف امام محروم می‌دارد؛[1]

محقق طوسی در متن ***تجرید الاعتقاد*** می‌گوید: «وجوده لطف، و تصرّفه لطف آخر، و عدمه منّا»(طوسی، ۱۳۷۲ش: ۳۶۲) یعنی وجود امام در میان مردم نعمت و رحمت بزرگی است و تصرف امام در امورات مردم نعمتی دیگر است و «وعدمه منّا» یعنی عدم تصرف و یا ظهور امام در پرده بودن آن هم از طرف و ناحیه مردم می‌باشد. این‌که مردم نمی‌توانند از آثار و برکات وجودی امام استفاده بکنند به‌خاطر بعضی اعمال خودشان می‌باشد که باعث عدم تصرف در امورات آنها و یا غیبت امام از نظرها شده است.

آن‌که به سستی روی می‌آورد از رسیدن به آرزوها و امال خود محروم می‌ماند. آرزوی ظهور و یاری امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بدون عمل و با سستی و تنبلی، آرزوی ای دروغین و غیر واقعی است و محرومیت قاعده چنین آرزوگرایی است. نتیجه این رفتار نرسیدن به یاری ولی خداست. فرد چه در دوران غیبت بمیرد ثمره ای برای ظهور و امام ندارد و رجعت هم نمی‌کند و اگر ظهور را هم درک کند یا مقابل قرار دارد یا عنصر بی‌فایده یا کم‌فایده برای حضرت است.

---

۱. وَ لَوْ أَنَّ أَشْیاعَنَا وَفَّقَهُمُ اللهُ لِطَاعَتِهِ عَلَی اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِی الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَیهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمُ الْیمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا لَی حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا یحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا یتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَکرَهُهُ وَ لَا نُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ؛ اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعت‌شان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما؛ علّت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آن‌چه از کردار آنان به ما می‌رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم. (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج۲، ۴۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج۵۳، ۱۷۷)

امام علی علیه‌السلام فرمود:

مَن دامَ کَسَلُهُ خابَ أمَلُهُ (آمدی،۱۳۶۶ش:۵۸۶)؛
کسی که پیوسته تنبلی کند، در رسیدن به آرزویش ناکام ماند.

در روایاتی گروهی که متمنون و ارزوگرایان و خیال‌پردازان نام نهاده شده‌اند مورد تکذیب قرار گرفته‌اند:

کذب المتمنون (نعمانی، ۱۳۹۷ق: باب۱۱)؛
آرزومندان خیال‌پرداز دروغ می‌گویند.

اسماعیل فرزند امام صادق علیه‌السلام گوید:

یا ابتاه، ما تقول فی المذنب منّا و من غیرنا؟ قال علیه‌السلام: ... لیس بامانیکم و لاامانی اهل الکتاب من یعمل سوءاً یجزبه قلت له: قوم یعملون بالمعاصی و یقولون نرجو، فلا یزالون کذلك حتی یأتیهم الموت. فقال: هولاء قوم یترجَّحون فی الامانی، کذبوا، لیسوا براجین، انّ من رجا شیئاً طلبه و من خاف من شیء هرب منه (کلینی، ۱۴۱۱ق: ج۲، ۶۸)؛
از پدرم پرسیدم: ... در مورد گناهکاران ما و غیر ما چه می‌گویید؟ حضرت فرمود: [فضیلت و برتری] به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست؛ هرکس عمل بدی انجام دهد، کیفر داده می‌شود...]؛ به حضرت صادق علیه‌السلام عرض کردم: گروهی معصیت می‌کنند و می‌گویند ما امید و رجا داریم. پیوسته چنین باشند تا این‌که مرگ آنان را دریابد. امام علیه‌السلام فرمود: اینان گروهی‌اند که در آرزوهای خویش غوطه‌ورند و آرزوهایشان آنان را از راه استوار منحرف کرد ه است. دروغ می‌گویند. اهل رجا و امید نیستند. قطعاً کسی که به چیزی امید داشته باشد، به دنبال تحقق آن است و در طلب آن برآید و آن‌که از چیزی بیمناك باشد، از آن پرهیز می‌کند و می‌گریزد. امید و رجای واقعی چیز دیگری است.

مفضل گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود:

ایاك و السفلة، فانما شیعة علی من عف بطنه وفرجه واشتد جهاده وعمل لخالقه ورجا ثوابه وخاف عقابه، فاذا رأیت اولئك فاولئك شیعة جعفر(حرعاملی، ج۱، باب ۲۰، ۸۶)؛
از فرومایگان بپرهیز! تنها کسانی شیعه علی می‌باشند که در باب شکم و شهوت خویش، عفّت ورزند و اهل تلاش و کوشش باشند و برای خدا به عمل پردازند و ثواب الهی را امید برند و از عذاب او بیمناك باشند. این افراد، شیعه واقعی جعفر [بن محمد علیه‌السلام] هستند.

امام کاظم علیه‌السلام فرمود:

قَالَ قَالَ أَبِي علیه‌السلام لِبَعْضِ وُلْدِهِ إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (کلینی، ۱۴۱۱ق: ج۵، ۸۵)؛

زنهار از ملالت و کسالت، زیرا آن دو تو را از بهره دنیا و آخرت باز داشته و محروم می‌سازد.

انسان استعدادها و قابلیت‌های بالقوه فراوانی دارد. رسیدن به جایگاه‌های رفیع دنیوی و اخروی با تلاش و کوشش بالفعل و حاصل می‌گردد. سستی و تنبلی انسان را از این بهره‌ها محروم می‌سازد. انسان می‌تواند با تلاش و کوشش و انتظار واقعی در دنیا می‌تواند به حلقه یاران اصلی امام یعنی ۳۱۳ نفر درآید یا در حلقه‌های دیگر یاری امام قرارگیرد و در آخرت نیز بالاترین اجر و پاداش یاری حضرت و دین خدا را بیابد و با سستی از تمام این بهره‌ها محروم گردد.

سربار دیگران شدن و تسلط بیگانگان و کفار

نتیجه انتظار منفی و بی‌تحرکی، جامعه ای وابسته و سربار دیگران است.

امام صادق علیه‌السلام ـ در ضمن سخنی به مردی از اصحابش ـ چنین نوشت:

... ولاتکسل عن معیشتک فتکون کلا علی غیرک او قال علی اهلک (کلینی، ۱۴۱۱ق: ج۵، ۸۵)؛

درباره معیشت خود تنبلی مکن که در این صورت، بار دوش دیگری ـ یا کسانت ـ خواهی شد.

پیامد سستی جامعه دینی، تحقق تسلط و استیلای کافرین بر مومنان است که خدا آن رااجازه نداده است:

﴿لَن يَجْعَلَ اللهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً﴾ (نساء:۱۴۱)؛

خداوند تسلطی برای کافرین بر مسلمین، قرار نداده است.

امام خمینی علیه‌السلام می‌فرمود:

... لازمه نفی سبیل به صورت مطلق، نفی همه سبل است؛ هم به لحاظ تکوین و هم به لحاظ تشریع. بنابراین، امر دایر بین یکی از معانی سبیل چنان‌که ازکلام برخی از مفسرین و غیر مفسرین روشن می‌شود، نمی‌باشد (امام خمینی، ۱۳۹۲ش: ۷۲۲).

ازکلام علامه طباطبایی رحمه‌الله نکته ظریفی استفاده می‌شود که این عدم سبیل و سلطه در دنیا و

آخرت از سوی کفار، مادامی است که مؤمنان به لوازم ایمان خود ملتزم باشند (طباطبایی، ۱۴۲۱ق: ج۵ ،۱۱۶). هم‌چنان‌که در جای دیگر، این وعده را صریحاً داده و فرموده:

وَ لاتَهِنُوا وَ لاتَحْزَنُوا وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل‌عمران: ۱۳۹)؛

سستی نکنید و غمگین نباشید که شما برترید اگر مؤمن(واقعی) باشید.

در واقع، در مواردی که مسلمانان در برابر کفار شکست می‌خورند و کفار در جنگ نظامی، یا فرهنگی یا اقتصادی و... غلبه می‌نمایند، علت را باید در عدم اتحاد، کم‌کاری، تنبلی و عدم انجام وظایف از سوی مسلمانان و دولت‌های اسلامی دانست؛ چون سنت خدا، ثابت است و اگر مسلمین آن‌چنان‌که قرآن و اولیای دین فرمان می‌دهند عمل نمایند، هیچ‌گاه مغلوب کفار نخواهند شد (عمید زنجانی، ۱۳۹۲ش: ۲۷).

طولانی شدن غیبت و تاخیر ظهور

سستی‌ها مانع ظهور و باعث طولانی تر شدن دوران غیبت خواهد شد.وقتی تلاشی برای زمینه‌سازی ظهور صورت نگیرد بلکه با تعلل و سستی هیچ حرکتی در بسترسازی ظهور فراهم نمی‌آورد معرفت‌افزایی نمی‌گردد .

وقتی شیعیان و پیروان از اجتماع قلوب بر محبت اولیای خداکوتاهی ورزند دیدار به تاخیر می‌افتاد: امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه خود فرمود:

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَّقَهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمُ الْيُمْنُ بِلِقَائِنَا وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا لَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّامَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكرَهُهُ وَلَانُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج۲، ۴۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج۵۳، ۱۷۷، ح۸)؛

اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعت‌شان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما؛ علّت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آن‌چه از کردار آنان به ما می‌رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم.

ندامت و پیشمانی

امام علی علیه‌السلام درسخنی فرموده است:

من اطاع التوانی احاطت به الندامه (آمدی،۱۳۶۶ش :۱۴۴۷)؛

هرکه کاهلی و سستی ورزد، او را پشیمانی و ندامت فراگیرد.

پشیمانی و ندامت دو گونه است پشیمانی. ندامت و حسرتی که در آخرت به خاطر سستی نسبت به ولی خدا رخ می‌دهد و ندامتی که در دنیا به خاطر محرومیت از رسیدن به درجات قرب به امام و نداشتن جایگاه و منزلت در حکومت مهدوی حاصل می‌گردد.

نفاق

کسی که در زبان و ظاهر ادعای انتظار و یاری امام را دارد و مطابق آن ادعا عمل نکرده عمر و فرصت خود را به تعلل و مسئولیت گریزی می گذراند. عملاً دچار نفاق می گردد. چون در واقع و باطن برخلاف ادعا و ظاهر راه دیگری می‌رود.

ظلم بر جامعه و تعطیلی آیات و احکام

امام حسین علیه‌السلام تعلل جامعه در عمل به وظیفه را علت تسلط یزید می‌داند.[1]

امام خمینی رحمه‌الله تسلط جور بر جامعه و تعطیلی احکام را در اثر سستی و تعلل این گونه بیان می‌دارد:

> چون درگذشته برای تشکیل حکومت و برانداختن تسلط حکام خائن و فاسد به طور دسته جمعی و بالاتفاق قیام نکردیم، و بعضی سستی به خرج دادند، و حتی از بحث و تبلیغ نظریات و نظامات اسلامی مضایقه نمودند، بلکه بعکس، به دعاگویی حکام ستمکار پرداختند! این اوضاع به وجود آمد؛ نفوذ و حاکمیت اسلام در جامعه کم شد؛ ملت اسلام دچار تجزیه و ناتوانی گشت؛ احکام اسلام بی‌اجرا ماند، و در آن تغییر و تبدیل واقع شد؛ استعمارگران برای اغراض شوم خود به دست عمال سیاسی خود قوانین خارجی و فرهنگ اجنبی را در بین مسلمانان رواج دادند و مردم را غرب‌زده کردند. اینها همه برای این بود که ما قیم و رئیس و تشکیلات رهبری نداشتیم. ما تشکیلات حکومتی صالح می‌خواهیم. این مطلب از واضحات است (امام خمینی، بی‌تا: ۴۲).

درمان و مواجهه با سستی و مسئولیت‌گریزی در دوران غیبت

برای مواجهه و درمان سستی درغیبت و نسبت به امام راهکارهایی مختلفی وجود دارد

۱. و قد سمعت جدّي رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله یقول: الخلافة محرّمة علی آل أبي سفیان الطلقاء و أبناء الطلقاء، فإذا رأیتم معاویة علی منبري فابقروا بطنه، فو الله لقد رآه أهل المدینة علی منبر جدّي رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله فلم یفعلوا ما أمرهم به فابتلاهم الله بابنه یزید. (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۲۳۰)

نظیر؛

معرفت‌افزایی و اثبات و تعمیق باور به حضرت و ظهور

معرفت به امام که نتیجه نداشتن آن مرگ جاهلی و مرگ کفر و فسق است و در دوران غیبت تاکید شده بر خواستن معرفت از خداوند متعال امری است که با خود حرکت، تلاش و اطاعت را به همراه خواهد داشت. باور به امام و توجه به تلاش خستگی ناپذیر ایشان، اهداف امام باعث تلاش و کوشش در مقابل سستی خواهد بود.

از آثار معرفت به امام و مهدویت، تلاش و حرکت و پویایی است. روحیه نشاط بر اثر امید به وعده محقق‌الوقوع خداوندی باعث تلاش و حرکت مضاعف می‌گردد.[1] این باور که منتظر این امر اجر شهید، بلکه هزار شهید[2] را داراست و این باور که اگر منتظر چنین اموری را رعایت کند، در دوران حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه رجعت نموده[3] و دوباره باز می‌گردد و این ویژگی که برای منتظر واقعی غیبت امام مانند مشاهده و بودن در محضر امام است؛[4] همه و همه زمینه تلاش و حرکت مضاعف را پدید می‌آورد.

امام سجاد علیه‌السلام ویژگی منتظران واقعی و شیعیان حقیقی را این امر می‌دانند که غیبت در نزد آنها، به منزله مشاهده است. همچنین آنها پنهان و آشکارا دیگران را به دین خدا[5] فرا می‌خوانند. نتیجه باور به مهدویت و عظمت آن تلاش و کوشش فراوان است؛ تلاش برای

۱. البته معتقد به مهدویت وعده خداوند را جدا از روال طبیعی و سنت‌های الهی نمی‌بینند تا دچار خمودی و رکود یا انتظار منفی گردد.

۲. امام سجاد علیه‌السلام فرمود: «هرکس در غیبت قائم ما بر دوستي و عقیده امامت ما ثابت باشد، خداي عزّوجل اجر هزار شهید از شهداي بدر و احد به او عطا کند؛ مَنْ مَاتَ عَلَي مُوَالَاتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ» (صدوق، ۱۳۹۵ش: ج۱، باب۳۱، ۳۲۳)

۳. درکتاب «مصباح الزائر» سیدبن طاوس از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: «هرکس چهل بامداد این ـ دعای ـ عهد را بخواند، از یاوران قائم خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند (هنگام ظهور) او را از قبر بیرون آورد؛ و با هرکلمه این دعا هزار ثواب به او عطا فرماید و هزارگناه از نامه عمل او محو کند: اللّهم ربّ النّور العظیم، و الکرسي الرّفیع، و ربّ البحر المسجور...؛ صبا، [مصباح الزائر] عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ علیه‌السلام أَنَّهُ قَالَ مَنْ دَعَا إِلَي اللهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا فَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللهُ تَعَالَي مِنْ قَبْرِهِ وَ أَعْطَاهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ هُوَ هَذَا اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ (مجلسی،۱۴۰۴ق: ج۵۳، ۹۵)

۴. امام سجاد علیه‌السلام در وصف منتظران چنین فرمود: «... صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُشَاهَدَةِ» (صدوق، ۱۳۹۵ش: ج۱، باب۳۱، ۳۱۹)

۵. «صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عَنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُشَاهَدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله بِالسَّيْفِ أُولَئِكَ الْمُخْلَصُونَ حَقّاً وَ شِيعَتُنَا صِدْقاً وَ الدُّعَاةُ إِلَي دِينِ اللهِ سِرّاً وَ جَهْراً» (همو).

سرآمد بودن در عرصه‌های گوناگون و کسب آمادگی‌های لازم؛ تلاش مضاعف برای مراقبت تا مبادا در غربال‌ها و امتحانات مختلف از مسیر منحرف شود؛ تلاش برای تقویت سنگر منتظران با دعوت پنهان و آشکارا به دین توحید و تلاش برای عدم وابستگی به دشمنان[1] و قطع ید آنان.

انتظار مثبت و باور واقعی و دین شناسانه از مهدویت، پویا و با تلاش و حرکت است. چنین منتظری امور را به عهده امام نمی‌گذارد، سستی به خود راه نداده و به زمینه سازی اهتمام می‌ورزد.[2]

ضرورت انجام وظیفه، انتظار تلاش و کوشش

انتظار مسئله بسیار مهم و برترین اعمال[3] و جهاد امّت[4] و همسنگ مبارزه در خیمه حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه و حضرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله[5] و شهید همراه حضرت[6] است. برترین امت‌ها که منتظرانند و شیعیان واقعی‌اند، کسانی‌اند که پنهان و آشکارا افراد را به دین خدا دعوت می‌نمایند.[7] مطابق سنت الهی، تحقق امر ظهور صرفاً با اعجاز و بدون هزینه نخواهد بود[8] وعده الهی ظهور به اهل ایمان و عمل صالح[9] و بندگان شایسته[1] خدا داده شده است. و همه این‌ها در گرو تلاش و

---

۱. ﴿وَ لَنْ يَجْعَلَ اللهُ لِلْكافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلا﴾. (نساء: ۱۴۱)

۲. روایت «گروهی از مشرق برمی‌خیزند و زمینه سلطه حضرت را فراهم می‌آورند؛ یخرج اناس من المشرق فیوطئون للمهدی سلطانه» (محدث اربلی، ۱۳۸۱ق: ج۲، ۴۷۷)

۳. قال النَّبِيَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي انْتِظَارُ الْفَرَجِ (مازندرانی، ۱۳۷۹ق: ج۴، ۴۲۰)

۴. قَالَ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي انْتِظَارُ الْفَرَجِ (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۸)

۵. وَ رَوَى السِّنْدِيُّ عَنْ جَدِّهِ، أَنَّهُ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ علیه‌السلام: مَا تَقُولُ فِيمَنْ مَاتَ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ، مُنْتَظِراً لَهُ؟ قَالَ: "هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ". ثُمَّ سَكَتَ هُنَيْئَةً، ثُمَّ قَالَ: "هُوَ كَمَنْ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله" (برقی، ۱۳۷۱ق: ج۱، ۱۷۳)

۶. الْفَيْضِ بْنِ مُخْتَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَاعَبْدِالله علیه‌السلام يَقُولُ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ قَالَ ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْئَةً ثُمَّ قَالَ لَا بَلْ كَمَنْ قَارَعَ مَعَهُ بِسَيْفِهِ ثُمَّ قَالَ لَا وَ اللهِ إِلَّا كَمَنِ اسْتُشْهِدَ مَعَ رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله (برقی، ۱۳۷۱ق: ج۱، ۱۷۴)

۷. يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُشَاهَدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللهِ بِالسَّيْفِ أُولَئِكَ الْمُخْلَصُونَ حَقّاً وَ شِيعَتُنَا صِدْقاً وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللهِ سِرّاً وَ جَهْراً.

۸. عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ قَالَ: ذُكِرَ الْقَائِمُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه‌السلام فَقَالَ أَنْتُمُ الْيَوْمَ أَرْخَى بَالًا مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ قَالُوا وَ كَيْفَ قَالَ لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُنَا علیه‌السلام لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلَقُ وَ الْعَرَقُ وَ النَّوْمُ عَلَى السُّرُوجِ وَ مَا لِبَاسُ الْقَائِمِ علیه‌السلام إِلَّا الْغَلِيظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ. (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۵)

۹. ﴿وَعَدَاللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ ←

کوشش وحرکت و سرعت و سبقت است. رسیدن به جایگاه ارزشمند منتظر و در استمرار آن یاری ولی خدا، سعی و تلاش و جهد و مجاهدت می‌طلبد.[۲]

انتظار به معنای آماده باش است. آماده باش کامل فکری و اخلاقی، مادی و معنوی، برای اصلاح همه جهان. چنین تحولی قبل از هر چیز نیازمند عناصر آماده و با ارزش انسانی[۳] است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان بدوش کشند. در درجه اول این آمادگی، بالابردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی، فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه عظیم است. منتظر کسی است که ظهور را نزدیک می‌بیند.[۴] هر لحظه منتظر فرج است.[۵] حتی با آماده کردن و تهیؤ یک تیر[۶] خود را آماده نگه می‌دارد. طبیعی است این آمادگی فقط آمادگی

دينَهُمُ الَّذِي ارْتَضى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَني لا يُشْرِكُونَ بي شَيْئاً وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ الْفاسِقُونَ﴾. (نور:۵۵)

۱. ﴿وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُونَ﴾. (انبياء :۱۰۵)

۲. وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسانِ إِلاَّ ما سَعى (نجم:۳۹)

۳. امام صادق علیه‌السلام فرمود: اگر آن شماره‌ای که توصیف شده است: سیصد و ده و اندی تکمیل شود خواسته شما انجام خواهد گرفت؛... أَمَا لَوْ كَمُلَتِ الْعِدَّةُ الْمَوْصُوفَةُ ثَلَاثَمِائَةٍ وَ بِضْعَةَ عَشَرَ كَانَ الَّذِي تُرِيدُونَ. (نعمانی،۱۳۹۷ق: باب۱۲، ۲۰۳)

۴. قَالَ أَبُوعَبْدِاللهِ علیه‌السلام:... نَجَا الْمُقَرَّبُون (کلینی، ۱۴۱۱ق: ج۳، ۱۳۱ ؛ مجلسی،۱۴۰۴ق: ج ۵۲، باب ۲۲، ۱۳۸) ابي جعفر (امام باقر علیه‌السلام) که فرمود: کساني که همچون محاضیراند هلاك شدند و مقرّبان نجات یافتند و پناهگاه بر پایه‌هاي محکم خود استوار است همانا که پس از اندوه گشایش عجیبي خواهد شد.

۵. مفضل بن عمر الجعفي قال قال أبوعبدالله علیه‌السلام أقرب ما يكون العباد من الله و أرضي ما يكون عنهم إذا افتقدوا حجة الله فلم يظهر لهم و لم يعلموا بمكانه و هم في ذلك يعلمون أنه لم تبطل حجة الله و لا ميثاقه فعندها توقعوا الفرج صباحا و مساء فإن أشد ما يكون غضب الله علي أعدائه إذا افتقدوا حجته فلم يظهر لهم و قد علم أن أولياءه لا يرتابون و لو علم أنهم يرتابون ما غيب عنهم حجته طرفة عين و لا يكون ذلك إلا علي رأس أشرار الناس. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۵۷)

۶. ابوعبدالله علیه‌السلام (امام صادق علیه‌السلام) فرمود: هر يك از شما براي خروج قائم آماده كند و لو يك تير كه چون خداي تعالي بداند كه او چنين نيّتي دارد اميدوارم كه عمرش را بتأخير اندازد تا آن‌كه او را درك كند [و از اعوان و انصارش گردد]؛ أَبُوعَبْدِالله علیه‌السلام لَيُعِدَّنَّ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْماً فَإِنَّ اللهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نِيَّتِهِ رَجَوْتُ لِأَنْ يُنْسِئَ فِي عُمُرِهِ حَتَّي يُدْرِكَهُ وَ يَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ. (نعمانی،۱۳۹۷ق: باب ۲۱، ۳۲۰)

امام باقر علیه‌السلام فرمود: رباط [آمادگي نظامي يا آماده باش] در ميان شما چند روز است؟ عرض كردم: چهل روز. فرمود: ولي رباط ما تا پايان روزگار است. هركس مركبي را براي ياري ما آماده نگاه دارد تا آن مركب نزد اوست به اندازه وزن آن و وزن وزن آن، نزد خدا پاداش دارد، و هركه سلاحي را براي ياري ما نگاه دارد تا آن اسلحه پيش اوست هم‌وزن آن پاداش دارد؛ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَي وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبَّادِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عُمَرَ بْنِ كَيْسَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ الْجُعْفِيِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُوجَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ علیه‌السلام كَمِ الرِّبَاطُ عِنْدَكُمْ قُلْتُ أَرْبَعُونَ قَالَ لَكِنْ رِبَاطُنَا رِبَاطُ الدَّهْرِ وَ مَنِ ارْتَبَطَ فِينَا دَابَّةً كَانَ لَهُ وَزْنُهَا وَ وَزْنُ وَزْنِهَا مَا كَانَتْ عِنْدَهُ وَ مَنِ ارْتَبَطَ فِينَا سِلَاحاً كَانَ لَهُ وَزْنُهُ مَا كَانَ عِنْدَهُ الْحَدِيث. (کلینی، ۱۴۱۱ق: ج۸ ،۳۸۲)

نظامی نیست.[1] آمادگی در عرصه‌های فرهنگی، عبادی، سیاسی، اجتماعی و... هر عرصه‌ای است که با مهدویت سازگار است. حکومت جهانی حضرت، یارانی آماده می‌خواهد. یارانی که سربلند از غربال‌های مختلف برون آمده و آماده تحولات قیام و پذیرش مسئولیت‌ها باشند. به هر حال باور مهدویت باعث می‌شود منتظر برای یاری و یا تحمل عدالت و سیره حضرت با جسم و جان آماده باشد. این آمادگی در گرو مسئولیت‌پذیری و عدم سستی و تنبلی است.

ایجادمحبت به امام و شوق نسبت به ظهور

عشق با خود تلاش خستگی‌ناپذیر می‌آورد. آن‌که سستی می‌ورزد عاشق نیست. و هرچه معشوق دلرباتر و دوست داشتنی‌تر باشد. با این نگرش، فرد می‌کوشد به گونه‌ای رضایت امام خود که تبلور رضایت الهی است را به دست آورد. از سوی دیگر، می‌کوشد مصداق روایاتی گردد که وظایفی چون تقوی و ورع را برای او به عنوان منتظر بیان نموده‌اند.

> **من سره ان یکون من اصحاب القائم فلینتظرولیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر (نعمانی،۱۳۹۷ق: باب۱۱، ۲۰۰)؛**
> هرکس دوست دارد و خوشحال می‌شود که از اصحاب قائم باشد، پس منتظر باشد، ورع را سرلوحه اعمال خود قرار داده و محاسن اخلاق را در حال انتظار زینت جان خود سازد.

منتظران و معتقدان به مهدویت برای آمادگی و کسب درجات بالاتر و پیروزی در امتحان‌ها و غربال‌های دوران ظهور، برای آراسته شدن به اخلاق و جدایی از رذایل و زشتی‌ها تلاش می‌کنند.

توجه به دوستان ،الگوها و دوستان منضبط و دوری از افراد مسئولیت‌گریز

تاثیر الگوها و دوستان در رفتار آدمی نقش بی‌بدیلی دارد. در قیامت عده ای حسرت می‌خورند که ای کاش فلانی را دوست نمی‌گرفتم:

> **﴿وَ یوْمَ یعَضُّ الظَّالِمُ عَلی یدَیهِ یقُولُ یا لَیتَنِی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبیلاً * یا وَیلَتی لَیتَنی لَمْ أَتَّخِذْ فُلاناً خَلیلاً﴾ (فرقان:۲۷-۲۸)؛**
> دوستان تنبل و سست انسان را از فعالیت و کوشش باز می‌دارند و به تنبلی انسان را جهت می‌دهند و در مقابل دوستان منضبط با برنامه و کوشا انسان را به انجام مسئولیت‌ها و گریز از تنبلی یاری می‌کنند.

۱. وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّة.... (سوره انفال:۶۰)

امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

لَاتَسْتَعِنْ بِكَسْلَانَ وَلَاتَسْتَشِيرَنَّ عَاجِزاً (کلینی، ۱۳۸۲ش: ج۵، ۸۵)؛
از تنبل کمک نگیر و با عاجز مشورت نکن.

دوستی با منتظران واقعی که برای امام دغدغه دارند و تلاشگر خستگی‌ناپذیرند (الدعاه الی دین الله سرا و جهرا)، طبعاً انسان را به تلاش و کوشش وا می‌دارد.

پیمان و عهد و بیعت با امام

یکی از عوامل پیش‌برنده و توفیق‌دهنده برای رسیدن به اهداف، بستن عهد و پیمان و ملزم ساختن خود به آن است. بنابراین عهد و پیمان با ولی خدا بستن، و مراقبه بر این عهد، انسان را به تلاش و انجام مسئولیت وا می‌دارد. در دعای عهد هر روز عهد و عقد و بیعت با ولی خدا تاکید می گردد .

اللَّهُمَ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيامِي عَهْداً وَعَقْداً وَبَيعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدا. (مفاتیح الجنان)

نگاه فرانسلی

براساس سنت‌ها و قوانین خداوند در رابطه با هستی و زندگی، ضرورت تدریجی و گام به گام بودن امور، مشخص می‌شود این‌گونه نیست که هر امری لزوماً در یک عصر و زمان رخ نماید .تحقق یک هدف هرچه مهم‌تر باشد دست‌یابی به آن زمان‌مند و مستلزم تحقق امور و شرایطی است که گاه ممکن است چند نسل بگذرد اما هرکار و فعالیت بخشی از این پازل را تکمیل کند. توجه به این امر و داشتن نگاه فرانسلی در انسان ایجاد انگیزه کرده و تلاش او را معنا بخشیده و از سستی و مسئولیت گریزی حفظ می کند. انسانی که نگاه فرانسلی دارد می‌داند هر قدم و تلاش او در تحقق پازل ظهور تأثیر دارد و اگر در کار خود کوتاهی کند در ظهور ایجاد تأخیر کرده است.

توجه به آثار و پیامدهای تعلل و عدم تعلل

توجه به تجربه تاریخی کسانی که امام را تنها گذاشتند و در یاری امام‌شان کوتاهی کردند. آنانی که به وقت ندای رهبرشان یاریگر نبودند. همان‌هایی که با لگد دشمن بیدار شدند.[1] توجه به حسرت و اندوه افرادی که نام خود را توابین نهادند و هرچند به شهادت رسیدند اما گره

۱. امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام فرمود:«من نام عن نصرة ولیّه انتبه بوطأة عدوّه؛ هرکس به وقت یاری رهبرش در خواب باشد زیر لگد دشمنش بیدار می‌شود». (آمدی،۱۳۶۶ش: ۱۰۱۸)

ای از کار دین و ولی دین نگشودند و تعلل‌شان را نتوانست جبران کند. عامل مهمی در درمان سستی است.

پرهیز از توجیه

گاهی افراد برای فرار از مسئولیت، بهانه‌تراشی می‌کنند. با عذر و بهانه‌تراشی، فرد رفتار خود را منطقی جلوه می‌دهد، در نتیجه با این رفتار سستی را در خود تقویت می‌کند. نباید توجیه کرد ولی خدا مظلوم است و ما او را فراموش کرده گرفتار نفسانیت و تنبلی خود شده‌ایم. فردا ثقلین از انسان شکایت می‌کند.[1] نباید خود را گول بزنیم ما نسبت به امام مظلوم و تحقق شرایط ظهور کوتاهی کرده‌ایم. اگر از توجیه پرهیز کنیم طبیعتاً سستی و مسئولیت گریزی از بین خواهد رفت.

داشتن برنامه، چشم‌انداز، استراتژی و التزام به آن

با توجه به امکانات، نواقص، فرصت‌ها و تهدیدها باید ارائه برنامه داشته چشم‌انداز حرکت دقیق ترسیم شده و بر پایه آن استراتژی تحقق جامعه منتظر و حرکت به سوی ظهور تدوین و ترسیم گردد. چنان‌که بی‌برنامگی و سردرگمی از مهم‌ترین عوامل سستی تنبلی است؛ نوشتن برنامه منظم از مهم‌ترین عوامل تلاش و حرکت است.

برنامه جامع، برنامه‌ای است که افزون بر تدوین امور روزانه، به بررسی و ارزیابی فعالیت‌ها نیز بپردازد و از این راه، معایب و کاستی‌ها را برطرف سازد و راه را برای پیشرفت هموار سازد. با داشتن چنین برنامه‌ای، بسیاری از بهانه‌هایی که برای به تأخیر انداختن کارها بدان‌ها متوسّل می‌شویم، توجیه خود را از دست می‌دهند؛ بهانه‌هایی از قبیل: فراموش کردن، سردرگم بودن، فرصت نکردن و...؛ هم در حوزه اخلاق و رفتار فردی و هم در حوزه اجتماعی، برنامه‌ها، استراتژی و عهدها و پیمان‌ها باید دقیق مورد مراقبه، حسابرسی و بررسی قرار گرفته و در مقابل موفقیت‌ها تشویق و در مقابل کوتاهی‌ها مواخذه و توبیخ مناسب صورت پذیرد. بهترین برنامه‌ها و عهدها اگر مورد مراقبت و پس از آن مواخذه و جبران در صورت عدم اعمال آن نگردد به ثمر نخواهد نشست. درباره حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و مهدویت نیز باید علاوه بر برنامه‌ریزی فعالیت‌ها در حوه فردی و اجتماعی، به آن با دقت ملتزم بوده و برآن مراقبت نموده و نسبت به کوتاهی‌ها و سستی‌ها توبیخ و مواخذه قرار دهد و نسبت به آن‌چه توفیق یافته شاکر خدا بوده و

۱. ﴿وَقالَ الرَّسولُ یا رَبِّ إِنَّ قَومِي اتَّخَذوا هٰذَا القُرآنَ مَهجورًا﴾؛ و پیامبر عرضه داشت: «پروردگارا! قوم من قرآن را رها کردند. (فرقان:۳۰)

گام‌های بعدی را برنامه‌ریزی کند.

نتیجه‌گیری

طولانی شدن غیبت و بی‌خبری از امام عصر علیه‌السلام از سویی و برخی عوامل نفسانی نظیر راحت‌طلبی و...؛ زمینه و عاملی برای سستی و مسئولیت‌گریزی نسبت به مهدویت و امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌گردند و در مقابل توجه به مفهوم واقعی انتظار لزوم نقش‌آفرینی در عصر غیبت با برنامه‌ریزی و داشتن چشم‌انداز و استراتژی و التزام عملی به برنامه، راهکار پیشگیری و برون‌رفت از سستی است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن طاووس، علی بن موسی، ***جمال الأسبوع***، تحقیق: جواد قیومی الجزه‌ای الإصفهانی، بی‌جا، مؤسسة الآفاق، ۱۳۷۱ش.
- ـــــــــــــــــــــ ، ***التشریف بالمنن فی التعریف الفتن***، اصفهان، نشاط، ۱۴۱۶ق.
- ـــــــــــــــــــــ ، ***مصباح الزائر***، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۳۷۵.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، ***لسان العرب***، محقق و مصحح: جمال‌الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع/ دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- آقا تهرانی، مرتضی، اهمال کاری (تعلل ورزیدن)، بررسی علل، راهکارها و درمان، ***مجله معرفت***، شماره۶۴، فروردین ۱۳۸۲ش.
- برقی، احمدبن محمدبن خالد، ***المحاسن***، قم، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، ***غررالحکم و دررالکلم***، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ش.
- حرانی، حسن بن شعبه، ***تحف العقول***، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- ***دانشنامه جهان اسلام***، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «تنبلی»، شماره۸۵.
- ری‌شهری، محمد، ***میزان الحکمه***، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث ،۱۳۸۴ش.
- صدوق، محمدبن بابویه، ***الأمالی***، بی‌جا، کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ش.
- ـــــــــــــــــــــ ،***کمال الدین*** ،قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.
- صفار، محمدبن الحسن، ***بصائر الدرجات***، تهران، اعلمی، ۱۴۰۴ق.
- طباطبایی، محمدحسین، ***المیزان فی تفسیرالقرآن***، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۱ق.
- طبرسی، احمدبن علی، ***الإحتجاج علی أهل اللجاج***، مشهد، مرتضی، اول، ۱۴۰۳ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، ***مجمع البحرین***، محقق احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
- طوسی، ابی‌جعفر محمدبن الحسن، ***الغیبه***، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی‌احمد ناصح، قم، موسسة المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ق.
- ـــــــــــــــــــــ ، ***تهذیب الاحکام***، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.
- طوسی، خواجه نصیر، ***شرح تجرید الاعتقاد کشف المراد***، بی‌جا، چاپخانه اسلامیه،۱۳۷۲ش.

- عمید زنجانی، عباسعلی، ***قواعد فقه***، تهران، سمت، ۱۳۹۲ش.
- فیض کاشانی، محسن، ***راه روشن (ترجمه المحجة البیضاء)***، ترجمه سید محمدصادق عارف، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- فیومی، احمدبن محمد، ***المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر***، بی‌جا، مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۲۵ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ***اصول الکافی***، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
- ـــــــــــــــ، ***الروضة من الکافی یا گلستان آل محمّد***، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۸۲ق.
- مازندرانی، ابن شهرآشوب، ***مناقب آل أبی طالب*** علیهم‌السلام، قم، مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.
- مجلسی، محمدباقر، ***بحارالأنوار***، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- محدث اربلی، علی بن عیسی، ***کشف الغمة فی معرفة الأئمة***، تبریز، بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ق.
- مدرّس، محمدباقر، ***خرد و سپاه او***، تهران، انتشارات کلینی، ۱۳۷۱ش.
- مصطفوی، حسن، ***التحقیق فی کلمات القرآن الکریم***، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، ***ولایت فقیه***، تهران، نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله، بی‌تا.
- ـــــــــــــــ، ***کتاب البیع***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۹۲ش.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم، ***الغیبة***، تهران، مکتبة الصدوق، ۱۳۹۷ق.
- http://www.erfan.ir/farsi/l